



مؤلف: محمد كاظمی

مرکز تخصصی نماز

السلامة المؤمن

فهرست

۶	کلیات:
۶	کلید واژه ها
۶	شیوه
۶	تعریف
۶	دعوت
۶	تعریف
۶	فرایند یک دعوت ثمر بخش
۸	جایگاه و اهمیت موضوع
۸	اهمیت و ضرورت دعوت به نماز
۱۷	اهمیت شیوه‌مند عمل کردن در دعوت
۱۸	بخش دوم: شیوه‌های عمومی دعوت به نماز
۱۸	اصل یکم: اول مربی بعد متربی
۱۸	تعریف
۱۸	سند
۱۹	قرآن
۱۹	روایات
۱۹	نکات
۲۰	اصل دوم: اصل جامعیت
۲۰	تعریف
۲۰	سند

- ۲۲ اصل سوم: اصل تدریج
- ۲۲ قوانین حاکم بر اصل تدریج:
- ۲۲ ا. شروع به موقع
- ۲۲ ب. در نظر گرفتن وسع و توان مخاطب
- ۲۳ ت. شناخت و در نظر گرفتن مراحل رشد و ویژگی‌های هر مقطع سنی
- ۲۴ ث. شناخت و در نظر گرفتن ویژگیها و تفاوت های فردی کودک
- ۲۵ ج. کسب مهارت های لازم در تأثیر گذاری در هر مقطع
- ۲۵ ح. بازخورد گیری
- ۲۵ اصل چهارم: اصل تعادل
- ۲۵ تعریف
- ۲۶ سند
- ۲۶ قرآن و سیره
- ۲۶ نکته
- ۲۶ روایت
- ۲۶ اصل پنجم: اصل تداوم و استقامت
- ۲۷ سند
- ۲۷ قرآن
- ۲۷ روایت
- ۲۸ فصل دوم: شیوه‌های مبتنی بر ریشه‌های فطری
- ۲۸ شیوه های جذب براساس ریشه های فطری نماز
- ۲۸ احساس سپاس گزاری
- ۲۸ تبیین حس سپاس گزاری
- ۲۸ راهکارهای تقویت حس سپاس گزاری :
- ۲۸ احساس ستایشگری
- ۲۸ تبیین حس ستایشگری
- ۲۹ راهکارهای پرورش روحیه ستایشگری:
- ۲۹ احساس پناه جویی

۲۹	تبیین حس پناه جویی
۲۹	راهکار پرورش حس پناه جویی:
۲۹	احساس رازگویی
۲۹	تبیین حس رازگویی
۳۰	راهکارهای پرورش حس رازگویی:
۳۰	احساس نیاز خواهی
۳۰	تبیین حس نیاز خواهی
۳۰	راهکارهای پرورش حس نیاز خواهی:
۳۱	فصل سوم: شیوه‌های آگاهی بخشی و مبتنی بر تعقل و تفکر
۳۱	سند
۳۲	عرصه های شناخت افزایی در دعوت به نماز
۳۲	أ.خودشناسی
۳۲	ب.خداشناسی
۳۲	ت.معاد شناسی
۳۲	ث.نماز شناسی
۳۲	ج.سیره شناسی
۳۲	روش های شناخت افزایی در دعوت به نماز
۳۲	أ.بیان
۳۲	ب.مشاهده
۳۲	ت.سیر و سفر
۳۲	ث.مباهله
۳۲	ج.تحدی
۳۲	ح.عبرت
۳۳	فصل چهارم: شیوه‌های انگیزه بخشی و مبتنی بر احساس و انگیزه
۳۳	تحريك عواطف
۳۵	بخش سوم: شیوه های دعوت بر اساس سن
۳۵	فصل اول: قبل از مدرسه(پیش از هفت سال)

۳۵	ویژگیهای این دوره
۳۵	۱) عدم درک مفاهیم انتزاعی
۳۵	۲) وابستگی شدید به والدین و اطرافیان
۳۵	۳) بازی محور زندگی
۳۵	۴) تخیل (جاندارپنداری)
۳۶	۵) تشخیص طلبی/حس خوغمایی
۳۶	۶) تقلید شدید
۳۶	۷) دوران شکل گیری شخصیت و وجدان اولیه
۳۶	بایستههای این دوران
۳۶	راهکارها
۳۶	أ. نمایش عظیم از عظمت نماز
۴۰	ب. فرصت تقلید
۴۳	ج. واکنش مناسب
۴۴	فصل دوم: دوران ابتدایی (۶-۱۲ تا)
۴۴	ویژگیهای
۴۵	بایستهها
۴۵	بایسته های آموزشی
۴۵	بایسته های پرورشی
۴۶	راهکارها
۴۸	فصل سوم: دوران نوجوانی (۱۲ تا ۱۸)
۴۸	نوجوانی دوران گذار ماندگار
۴۸	نوجوانی دوران بحران تعیین گر و تغییرات تثبیت گر
۴۹	ویژگیهای نوجوان
۴۹	أ. رشد جسمی و بلوغ جنسی
۴۹	ب. رشد فکری
۴۹	ج. گستردگی و پیچیدگی عواطف
۵۰	د. پیچیدگی اخلاقی

- ۵۱ ه.کمال گرایی
- ۵۱ و.از دوست گرایی تا گروه گرایی
- ۵۱ ز.هویت جویی/هویت یابی یا هویت سازی
- ۵۱ ح.آرمانجویی و آرمانگرایی
- ۵۲ ط.الگوگرایی شخصیت مدار
- ۵۲ ی.زیبایی گرایی
- ۵۲ ك.استقلال طلبی
- ۵۳ بایسته ها
- ۵۳ أ)ایجاد و افزایش شناخت، تفکر و اعتقادات دینی
- ۵۳ ۱)شناخت افزایی
- ۵۳ ۲)انحراف زدایی در شناخت
- ۵۳ ۳)تقویت سیستم تفکر
- ۵۳ ۴)تصحیح ملاکها در فرایند تفکر و جهت بخشی
- ۵۳ ۵)ساماندهی ورودی‌ها
- ۵۳ ۶)سامان بخشی عواطف
- ۵۳ ب)تقویت و تصحیح روش دوست یابی و تعامل با دوستان

شیوه های دعوت به نماز

کلیات:

کلید واژه ها

شیوه

تعریف

شیوه در لغت به معنای راه، طریق، اسلوب می باشد. و در اصطلاح به روش و اسلوب خاصی که برای رسیدن به هدف مشخص تنظیم می شود گفته می شود.

دعوت

تعریف

فرایندی که در طی آن دیگری به سمت بینش، گرایش یا رفتار مطلوب دعوت کننده فراخوان و جذب می شود.

فرایند یک دعوت ثمر بخش

مراحلی که در یک دعوت باید طی شود

❖ مرحله یکم: عرضه:

در مرحله اول مخاطب باید پیام مرا ببیند و بشنود و الا چگونه انتظار داشته باشم که اجابت کند. پس باید با روش یا ابزاری پیام خود را به مخاطب برسانم.

چند راه کار برای تحقق این هدف:

- ۱- گستره افزایی محیط تبلیغی
- ۲- استفاده از ابزارهای متنوع و متعدد
- ۳- استفاده از روش های متنوع و جذاب در نشر پیام

❖ مرحله دوم: جلب رضایت (جذب)

باید با روشی محتوای پیام عرضه شود که مخاطب بپسندد. منظور این نیست از اصول خودمان بگذریم و هرچه را اندیشه و سلیقه مخاطب همانگ باشد را بیان کنیم، بلکه باید

در تنظیم و چیدمان محتوا و نوع انتقال آن چنان حکیمانه و هنرمندانه عمل کنیم که نه تنها مخاطب وحشت نکند و زده نشود بلکه احساس انس کرده، متمایل شود.

برای تحقق چنین هدفی بهتر است:

- ۱- در چیدمان و تنظیم محتوا، سطح فهم^۱ مخاطب شناسایی و رعایت شود، در غیر اینصورت مخاطب پیام را درک نمی‌کند و همین باعث خستگی و زدگی او می‌شود.
- ۲- نگرش‌های اولیه مخاطب در نظر گرفته شود، از این جهت مخاطب به چند دسته تقسیم می‌شود، مذهبی، نیمه مذهبی، غیر مذهبی، ضد مذهب. به عنوان نمونه اگر مخاطب بینش مذهبی دارد می‌توانیم از آیات قرآن و سخنان معصومین ع در تنظیم محتوا بهره ببریم، اما اگر مخاطب دگر اندیش یا حتی غیر مسلمان است باید از براهین عقلی یا آمار و تجربیات و یا ریشه‌های فطری انسانی استفاده کنیم.
- در سیره اهل بیت علیهم صلوات الله هم می‌بینیم، برای پاسخ گویی به پرسش‌های دگر اندیشان از منابع و مسلمات خودشان بهره می‌برده‌اند.
- ۳- در نحوه بیان و ارائه، انتقال و تنظیم طرح‌های اجرایی فرهنگ، زبان^۲ و سلیقه مخاطب بسیار مهم است.

❖ مرحله سوم: ایجاد پذیرش و اعتقاد: (تغییر جهت)

تا زمانی که پذیرش و اعتقاد شکل نگیرد و این اعتقاد به عمل نیانجامد نمی‌توان گفت دعوت ثمربخش بوده است. لذا باید به دنبال این باشیم که مخاطب بینش، نگرش یا رفتار مورد دعوت مرا بپذیرد.

راه‌کارهایی برای نیل به این هدف:

- ۱- استمرار جدی کار، ولو برای مدت طولانی، با صبر و حوصله و توکل به خداوند متعال و استفاده از روشهای متنوع. همان گونه که حضرت نوح(ع) سالهای طولانی قوم خویش را به حق دعوت کرد و با وجود اینکه جز عده‌ای اندکی به او ایمان نیاوردند، ناامید نشد.^۳

۱. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْعِبَادَ يَكْنُهُ عَقْلُهُ قَطُّ وَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نَكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ. الكافي ج ۱ ص: ۱۰

۲. إِبْرَاهِيمَ: ۴ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا بِلِسَانٍ قَوْمِهِ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ...

۳. قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا. فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَايَ إِلَّا فَرَارًا. وَ إِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لَتُغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا إِصْأَعِهِمْ فِيْ أَعْدَانِهِمْ وَ اسْتَغْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَ أَصْرُوا وَ اسْتَكَبَرُوا اسْتِكْبَارًا. ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا. ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَ أَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا (نوح، ۵-۹)

۲- استحکام و غنای کافی داشتن محتوا و بهره گیری از برهان، پند و موعظه و در نهایت جدال و مناظره^۱

۳- شناسایی و رفع موانع پذیرش؛ گاهی پیش می‌آید که مخاطب مانعی فکری، عاطفی و یا حتی رفتاری برای پذیرش پیام دارد. مثلاً شبهه‌ای دارد، یا عقده‌ای از جای دگر دارد و یا حتی تنبلی یا وسواس مانع پذیرش اوست.

❖ مرحله چهارم: تثبیت

مخاطب، بعد از پذیرش، ممکن است تغییر کند، سست شود یا تردید کند، باید برنامه یا شیوه‌هایی را در نظر داشته باشیم که او را در اعتقاد یا رفتاری که به وی انتقال داده‌ایم ثابت قدم بدارد، به عنوان نمونه:

- ۱- برخی از افراد هر چند وقت یک بار نیاز به شارژ دارند و باید شناخت‌ها و انگیزه‌های آنان به موقع تجدید و تقویت شود.
- ۲- گاه مخاطب در محیط جدیدی واقع می‌شود و یا در در معرض افکاری قرار می‌گیرد که دچار تردید یا شبهه می‌شود که اگر به موقع پاسخی مناسب و قانع کننده دریافت نکند، از راهی که به آن دعوت شده است منحرف می‌شود. پس باید بعد از مرحله پذیرش مخاطب مدام تحت کنترل باشد و خطرات اینچنینی پیشگیری یا درمان شود.
- ۳- با استفاده از روش‌های درونی سازی و فطری می‌توانیم به گونه‌ای ارزش پیام را در جان مخاطب ملکه کنیم که هیچ چیزی نتواند در او خلل و سستی ایجاد کند.
- ۴- گاهی برای نهادینه شدن یک عادت رفتاری در مخاطب باید از تمرین‌های عملی منظم و مستمر بهره گرفت.

جایگاه واهمیت موضوع

اهمیت و ضرورت دعوت به نماز

چرا باید به نماز دعوت کنیم؟

❖ باید به نماز دعوت کنیم، چون همه ما مسئولیم:

وَرَوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ رَأَى وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ^۱.

۱. النحل: ۱۲۵ ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ

و آن روز که در پیشگاه خدا حاضر شویم در قبال مسئولیت‌مان مؤاخذه خواهیم شد.

● کدام مسئولیت؟

مگر نه این که امر به معروف و خیر و نهی از منکر و شر از فروع دین ماست، و مگر نه اینکه این فریضه دستور مستقیم خداوند متعال است است؛

وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۲

و مگر نه اینکه معروف ترین معروف‌ها و خیر العمل نماز است «حی علی خیر العمل»
«وَاللَّهُ اللَّهُ فِي الصَّلَاةِ، فَإِنَّهَا خَيْرُ الْعَمَلِ»^۳.

خداوند متعال بهترین بندگانش را در این راه مسئولیت داد و من و شما نیز باید به این الگوهای کمال اقتدا کنیم:

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ ...^۴

● کدام مسئولیت؟

مسئولیتی که خالق، پروردگار به من سپرد، سپرد که با تمام وجود، خودم را و اهل‌م را حفظ کنم، حفظ کنم از آتش دوزخ:

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَظُ شِدَادٍ لَا يَعْصُونَ اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ^۵

و مگر نه این که کلید بهشت و راز رهایی از دوزخ نماز است:

وَقَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ بَنِي إِسْرَءِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ وَإِنِّي لَمَكِّيٌّ لَصَلُّوا وَآذِنُوا بِالْحَنَافِيَّةِ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

۱ . بحار الأنوار ج ۷۲، ص : ۲۴

۲ . آل عمران : ۱۰۴

۳ . الکافی ج ۷ ص : ۴۷

۴ . الأنبياء : ۷۳

۵ . التحريم : ۶

● کدام مسئولیت؟

مسئولیتی که پروردگار بر دوش اشرف مخلوقات عالم، اسوه حسنه جن و انس، خاتم انبیا ص قرار داد، تا این دستور در کلام جاوید حق تا ابد ماندگار باشد و یادآورمان کند وظیفه‌ای را که بر عهده داریم:

طه : ۱۳۲ وَ أَمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا

این همان نشانه ایست که خداوند، عزیز خلیش را، اسماعیل ذبیحش را، به آن معرفی می‌کند:

مریم : ۵۵ وَ كَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَ الزَّكَاةِ وَ كَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا

● کدام مسئولیت؟

مسئولیتی که از جانب رسول خدا و اهل بیت طاهرينش، که اطاعتشان بر ما واجب است، بر عهده من و شما نهاده شده است، همان مسئولیتی که زمین ماندش آه رسول خدا ص را در می‌آورد:

وَ قَالَ عَ مَخَاطِبًا لِأَوْلِيَائِهِ الْأَطْفَالِ مُرُوا أَوْلَادَكُمْ بِالصَّلَاةِ وَ هُمْ أَبْنَاءُ سَبْعٍ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَيْهَا وَ هُمْ أَبْنَاءُ عَشْرِ

جَامِعُ الْأَخْبَارِ، رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ ص: أَنَّهُ نَظَرَ إِلَى بَعْضِ الْأَطْفَالِ فَقَالَ وَيْلٌ لِّأَطْفَالِ آخِرِ الزَّمَانِ مِنْ آبَائِهِمْ فَقِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ مِنْ آبَائِهِمُ الْمُشْرِكِينَ فَقَالَ لَا مِنْ آبَائِهِمُ الْمُؤْمِنِينَ لَا يَعْلَمُونَهُمْ شَيْئًا مِنَ الْفَرَائِضِ وَ إِذَا تَعَلَّمُوا أَوْلَادَهُمْ مَنَعُوهُمْ وَ رَضُوا عَنْهُمْ بِعَرَضٍ يَسِيرٍ مِنَ الدُّنْيَا فَأَنَا مِنْهُمْ بَرِيءٌ وَ هُمْ مِنِّي بَرَاءٌ

❖ باید به نماز دعوت کنیم چون همه ما آرزوها داریم:

● کدام آرزو؟

آرزوی همه ماست، که خودمان، دوستانمان و فرزندانمان در دامن قرآن پرورش یابیم و از تربیت و هدایتش بهره‌مند شویم، و راز حرکت در این بزرگراه سعادت تقواست و شرط رسیدن به تقوا بعد از ایمان، نماز است:

ذَٰلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ ...^۱

وقتی خوب نگاه می‌کنی هم هدایت آسمانی آرزوی ماست، هم دست یابی به تقوی، برای رسیدن به هردو آرزو به نماز دعوت می‌کنیم.

• کدام آرزو؟

آرزو داریم سرمایه‌های مادی و معنوی زندگی و سرزمینمان روز به روز زیادت‌ر شود، آرزو داریم عمر و وطنمان در برکات الهی غرق شود، آرزو داریم هیچ گاه ورشکست نشویم و سرمایه از کف ندهیم،

وَ إِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ وَ لَئِن كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ^۲

پس باید به نماز دعوت کنیم، تا روحیه سپاس‌گزاری در همه جا موج بزند آنگاه اقیانوس برکت خدا در زندگی و سرزمینمان موج خواهد زد.

• کدام آرزو؟

آرزو داریم مدال‌های ایمان بر سینه‌هایمان نصب گردد تا آنگاه که منجی عالم سربازانش را برمی‌گزیند در تاریکی بی‌نشانی از قافله مجاهدان عدالت گستر باز نمانیم.

و راستی مگر نه این است که مدال ایمان و نشان سربازان آخرالزمان تلاش در گسترش و اقامه راستین نماز است:

الَّذِينَ إِن مَّكَّنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ^۳

کدام آرزو؟

مگر نه اینکه هر جنبنده‌ای با آرزوی سعادت خودش و عزیزانش زندگی می‌کند و لحظه‌ای این آرزو از قلبش بیرون نمی‌رود؟

۱. بقره، ۲ و ۳

۲. ابراهیم: ۷

۳. الحج: ۴۱

و مگر نه این است که پروردگار خلقت و راز، راز سعادت و خوشبختی را با نماز گره زده است:

مومنون/۲۹۱ قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ . الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

باید به نماز دعوت کنیم تا آرزوی سعادت خود و عزیزانمان برآورده شود.

• کدام آرزو؟

چه بسا افراد یا اقوامی که آرزو دارند لکه ننگی که بر تارک تاریخ گذشته آنها نقش بسته است، برای همیشه پاک شود. و مگر نه این است که نماز بهترین راه پاک کردن سیئات است:

هود : ۱۱۴ وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ

• کدام آرزو؟

آرزوی گل این است که همیشه ساقه‌اش پایدار باشد تا را رابطه‌ی حیات بخش با ریشه همیشه برقرار باشد. همه ما میدانیم که ریشه گل سرسبد هستی، آفرینده‌ی حیات است:

فَإِذَا سَوَّيْتَهُ وَ نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ^۱

و نماز آن ساقه‌ای است که این گل را به آن ریشه وصل می‌کند و شاید به همین خاطر است که اولین اقدام آدم بعد از تشرف به روح ملکوتی سجده بود.

راستی خدا نیاورد روزی را که ساقه‌های گلستان جامعه مان را آفتی بزند، که نتیجه‌ی ای جز مرگ و فساد ندارد.

پس باید به نماز دعوت کنیم تا زنده و با طراوت باشیم.

❖ باید به نماز دعوت کنیم تا مبادا

● مبدا خیمه دینمان بی ستون ماند و واژگون شود:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: الصَّلَاةُ عَمُودُ الدِّينِ مَثَلُهَا كَمَثَلِ عَمُودِ الْفُسْطَاطِ إِذَا ثَبَتَ الْعَمُودُ ثَبَتَ الْأَوْتَادُ وَالْأُتُنَابُ وَإِذَا مَالَ الْعَمُودُ وَانْكَسَرَ لَمْ يَثْبُتْ وَتَدَّ وَ لَا طُنْبُ.^۱

که این ستون اگر نباشد یعنی انهدام دین:

وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّلَاةُ عِمَادُ الدِّينِ فَمَنْ تَرَكَ صَلَاتَهُ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ هَدَمَ دِينَهُ وَ ...^۲

باید به خاطر حفظ دین هم که شده به نماز دعوت کنیم.

● مبدا دچار یک غفلت همگانی شویم؛

غفلتی که ما را برای جهنم آماده می‌کند، غفلتی که ما را از مرز حیوانیت هم پایین‌تر می‌کشد:

وَ لَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَا يَفْقَهُونَ بِهَا وَ لَهُمْ أَعْيُنٌ لَا يُبْصِرُونَ بِهَا وَ لَهُمْ آذَانٌ لَا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ^۳

غفلتی که ایمان را می‌رباید و حسرت ابدی می‌آورد:

وَ أَنْذَرَهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ^۴

باید به نماز دعوت کنم، چون راه برون رفت از این خطر بزرگ نماز است.

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي^۵

۱. وسائل الشیعة ج ۴ ص: ۲۳

۲. جامع الأخبار، ۷۳

۳. الأعراف: ۱۷۹

۴. مریم: ۳۹

۵. طه: ۱۴

این همان ذکر است که اعراض از آن همه ما را دچار زندگی نکبت بار می‌کند، پس باید به نماز دعوت کنم.

طه : ۱۲۴ وَ مَنْ أَعْرَضَ عَنْ ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا وَ نَحْشُرُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَعْمَى

● مبدا عزیزانم در دام جرم گرفتار شوند یا جامعه گرفتار مجرمان شود به شکلی که امنیت از محیط زندگی ما رخت بربندد.

و مگر نه این است که مجرمان ترک نماز را اولین دلیل سوختن در آتش جرمشان بر می- شمارند.

مدثر/ ۴۰ تا ۴۳ فِي جَنَاتٍ يَتَسَاءَلُونَ . عَنِ الْمُجْرِمِينَ . مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ . قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

باید به نماز دعوت کنم تا از مجرم شدن عزیزانم، از گرفتار مجرمین و ناامنی شدن جامعه ام پیشگیری کنم.

● مبدا نسل بعد از ما گرفتار نفس و شهوت گرایی شوند.

همان بلایی که جز شغوت ثمری ندارد.

آیا غلطیدن در ورطه شهوات و نفسانیات از ترک نماز آغاز نمی شود و آیا نماز بهترین راه پیش گیری از شهوت گرایی و نفس پرستی نیست.

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَ اتَّبَعُوا الشَّهَوَاتِ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيَا

باید به نماز دعوت کنیم تا خودمان و نسل و ذریه یمان از این خطر بزرگ در امان بماند.

● مبدا خودم، عزیزانم و جامعه ام در چنگال شیطان اسیر شویم.

همان اسارتی که همه هستی مان را به باد می‌دهد:

اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ^۱

همان شیطانی که هدفی جز به فحشا و منکر کشیدن انسان در سر نمی‌پرورد:

النور: ۲۱.... مَنْ يَتَّبِعْ خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ

همه ما می‌دانیم نماز در مقابل این هدف شوم مقابله میکند:

... أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ^۲

پس باید در راه اقامه همگانی نماز کوشید.

همه ما شنیده ایم:

الصَّلَاةُ حِصْنُ الرَّحْمَنِ وَ مَدْحَرَةُ الشَّيْطَانِ^۳

الصَّلَاةُ حِصْنٌ مِنْ سَطَوَاتِ الشَّيْطَانِ

باید به نماز دعوت کنیم دژ استوار و محکم امتمان را از گزند یرشهای شیطان در امان بماند.

چه زیبا فرمود:

وَقَالَ ص لَا يَزَالُ الشَّيْطَانُ يَرْعَبُ مِنْ بَنِي آدَمَ مَا حَافَظَ عَلَى الصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ فَإِذَا ضَيَّعَهُنَّ تَجَرَّأَ عَلَيْهِ وَ أَوْقَعَهُ فِي الْعِظَائِمِ^۴

باید به نماز دعوت کنیم تا شیطان جرأت نکند به ما نزدیک شود و ما را در لجنزار گناه غرق کند.

۱. المجادلة: ۱۹

۲. العنكبوت: ۴۵

۳. تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۱۷۵

۴. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۷۹، ص: ۲۰۲

❖ باید به نماز دعوت کنیم چون فاصله وضعیت موجود نماز در جامعه کنونی با وضعیت مطلوب آن از زمین تا آسمان است.

شاید اگر این فرازا را از سخنان معصومین در باره نماز جامعه امروز بخوانیم، بیشتر به ضرورت دعوت به نماز پی ببریم.

- رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتَخَفَّ بِهَا^۱
- فَإِنَّ عَلَامَةَ ذَلِكَ إِذَا أَمَاتَ النَّاسَ الصَّلَاةَ^۲
- فَقَالُوا يَا رَسُولَ اللَّهِ أَخْبِرْنَا مَتَى يَكُونُ ذَلِكَ فَقَالَ ص عِنْدَ تَأْخِيرِ الصَّلَوَاتِ^۳
- وَ رَأَيْتَ الْأَذَانَ بِالْأَجْرِ، وَ الصَّلَاةَ بِالْأَجْرِ، وَ رَأَيْتَ الْمَسَاجِدَ مُحْتَشِيَةً مِمَّنْ لَا يَخَافُ اللَّهَ، مُجْتَمِعُونَ فِيهَا لِلْغَيْبَةِ وَ أَكُلَ لُحُومِ أَهْلِ الْحَقِّ، وَ يَتَوَاصَفُونَ فِيهَا شَرَابَ الْمُسْكِرِ، وَ رَأَيْتَ السُّكْرَانَ يَصْلِي بِالنَّاسِ وَ هُوَ لَا يَعْقِلُ رَأَيْتَ الصَّلَاةَ قَدْ اسْتَخَفَّ بِأَوْقَاتِهَا،^۴

❖ باید به نماز دعوت کنیم چون دعوت کنندگان به نماز از جایگاه رفیع و پاداش عظیمی بهره‌مندند.

● رستگاری در دستان دعوت کنندگان به نماز

وَ لَتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ^۵

● آباد کنندگان مسجد و فعالان فرهنگ نماز هدایت یافتگانند.

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسَاجِدَ اللَّهِ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ الْيَوْمِ الْآخِرِ وَ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَ آتَى الزَّكَاةَ وَ لَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَى أُولَئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ^۶

۱. الکافی (ط - دارالحديث)، ج ۱۵، ص: ۱۱۴

۲. کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، ص: ۵۲۵

۳. جامع الأخبار (للشعيري)، ص: ۱۴۱

۴. الکافی (ط - دارالحديث)، ج ۱۵، ص: ۱۱۷

۵. آل عمران : ۱۰۴

۶. التوبة : ۱۸

اهمیت شیوه‌مند عمل کردن در دعوت

امام رضا(علیه السلام): مَنْ طَلَبَ الْأَمْرَ مِنْ وَجْهِهِ لَمْ يَزَلْ فَإِنْ زَلَّ لَمْ تَخْذُلْهُ الْحِيلَةُ
(بحار الأنوار ج ۶۸ ص ۳۴۰)

مادر معارف اشرف مواد را در اختیار داریم (قرآن و روایات و سیره پیامبر و اهل بیت و تاریخ غنی اسلام و ...) ما نیاز به قالب داریم، نیاز به روش داریم برای ارائه این مواد با توجه به مخاطب
استاد شهید مطهری می فرماید: مسیحیان در روش‌های صدها سال از ما جلوترند...

بخش دوم: شیوه های عمومی دعوت به نماز

فصل یکم: توجه به اصول حاکم بر دعوت

اصل تربیتی ریشه و بنیانی است که در جریان تربیت، اجتناب ناپذیر است و به عنوان دستورالعملی کلی، تمام جریان تربیت را تحت سیطره و نفوذ خویش دارد و در صورت تخطی از آن، رسیدن به هدف آرمانی تربیت، دستخوش مخاطره می شود.

اصل یکم: اول مربی بعد متربی

تعریف

محال است انسان غلط زندگی کند، و بتواند صحیح تربیت کند.

ذات نایافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

از کوزه همان تراود که در اوست.

می رود از سینه ها در سینه ها از ره پنهان صلاح و کینه ها

سند

مربی، امام و رهبر متربی است پس باید خود در همه کارها پیشگام باشد و قبل از تعلیم دیگران به تعلیم خود بپردازد؛ وَ قَالَ عَ مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا - [فَعَلَيْهِ أَنْ يَبْدَأَ] فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِرِّهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ^۱

واقعا اگر خومان برخلاف دعوتمان عمل کنیم نباید انتظار اصلاح داشته باشیم؛

«... ما أُرِيدُ أَنْ أَخَالِفَكُمْ إِلَى مَا أَنْهَاكُمْ عَنْهُ إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ...»^۲

۱. (نهج البلاغة «صحي صالح» ص ۴۸۰)

۲. هود، ۸۸

«من هرگز نمی‌خواهم چیزی که شما را از آن باز می‌دارم مرتکب شوم، من جز اصلاح تا آنجا که توانایی دارم نمی‌خواهم.»

قرآن

أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ... {البقرة/۴۴}

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ {الصف/۲}

روایات

قَالَ (عليه السلام) مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلْيَبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بَسِيرَتَهُ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مَعْلَمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنْ مَعْلَمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ^۱

أَيُّ عَبْدٍ اللَّهِ ﷻ قَالَ يُحْفَظُ الْأَطْفَالُ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ كَمَا حَفِظَ اللَّهُ الْغُلَامِينَ بِصَلَاحِ آبَائِهِمْ (تفسير العياشي)

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ﷻ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِغَيْرِ أَلْسِنَتِكُمْ لِيَرَوْا مِنْكُمْ الْاجْتِهَادَ وَ الصِّدْقَ وَ الْوَرَعَ^۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ﷻ: أَنَّهُ قَالَ كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةً بِأَلْسِنَتِكُمْ^۳

نکات

- ۱) تربیت نقش پذیر نیست؛ محال است انسان، نقش انسان‌های خوب را در بیاورد ولی در واقع خوب نباشد یا بتواند این نقش در تربیت اثری بگذارد.
- ۲) اگر بین گفتار و اعمال ما تضاد وجود داشته باشد چند مشکل بوجود می‌آید.
اولا: حساسیت مرتبی نسبت به گفته‌ها از بین می‌رود و دیگر سخنان مرتبی برایش مهم نیست
ثانیا: خود را با کسانی که به نوعی چهره نفاق بروز می‌دهد همانند می‌سازد (یعنی عملا به مرتبی نفاق آموخته‌ایم)

۱. (نهج صبحی صالح، قصار ۷۳، ص ۴۸۰)

۲. بحار الأنوار ج ۶۷ ص ۳۰۹

۳. قرب الإسناد ص: ۹

ثالثاً: مربی نمی‌تواند با والدین یا مربی خود را همانند کند.
 رابعاً: این تضاد باعث می‌شود هیچ گاه به الگوی مناسبی دست پیدا نکند.
 ۳) گاهی فرزندان ما از راه‌های نامرعی اثر می‌پذیرند. تربیت یک جریان درونی، پنهان وجودی، طبیعی و اغلب غیر عمدی است

اصل دوم: اصل جامعیت

تعریف

انسان یک موجود تک بعدی نیست، بلکه دارای ابعاد و ساحات مختلف و گاهی کاملاً متضاد است، قَالَهُمْهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا (الشمس/۸)، حال اگر بخواهیم در مسیر تربیت جامع نگر نباشیم یک موجود کاریکاتوری را شکل داده‌ایم که در یک بعد یا ساحت رشد کرده و در ابعاد دیگر درجا زده است.

پس جامعیت در تربیت به معنای در نظر گرفتن تمام ابعاد و ساحات انسان و تنظیم برنامه دقیق تربیتی برای تمام این ابعاد و ساحات است.

سند

مطابق آیات و روایات و حکم عقل سلیم انسان دارای دو بعد و سه ساحت است.

دو بعد انسان شامل جسم و روح است. روح انسان ملکوتی و خاستگاه فطریات اوست و جسم انسان ناسوتی و خاستگاه امیال و غرائز اوست.

فَأَقْمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفاً فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ^۱

همچنین انسان دارای سه حوزه یا ساحت وجودی است.

- ۱- حوزه تفکر و تعقل که خواستگاه اندیشه‌ها و عقاید است.
- ۲- حوزه احساس و انگیزه که خواستگاه اراده و گرایش‌ها و اخلاقیات است.
- ۳- حوزه رفتار که خواستگاه منش‌ها و عملکردها است.

البته دین مبین اسلام اصل جامعیت را کاملاً در نظر گرفته است؛ چون از طرفی هم به رشد فطریات اندیشیده است و هم برای ارضاء غرائز برنامه بسیار دقیق و متناسب با خلقت انسان تنظیم کرده است و از طرفی گزاره های دینی را می توان به سه دسته تقسیم کرد،

- گزاره های اعتقادی - بینشی که عهده دار تکامل و رشد انسان در حوزه تفکر و تعقل است، همچنین در قرآن کریم بارها انسان به تفکر و تعقل دعوت و به خاطر کوتاهی در این امر توبیخ شده است.
 - گزاره های اخلاقی که عهده دار تکامل و رشد انسان در حوزه قلب و گرایشات و انگیزش ها و کنترل هیجانات و احساسات آسیب زا است.
 - گزاره های فقهی و احکامی که عهده دار نهادینه کردن رفتارهای انسانی و کنترل ناهنجاری های رفتاری است.
- شاید بهترین سند برای این تقسیم بندی فرمایش پیامبر اعظم (ص):

... قَالَ النَّبِيُّ ص إِذَا أَلِمْتُ ثَلَاثَةَ آيَةٍ مُحْكَمَةٍ أَوْ قَرِيبَةٍ عَادِلَةٍ أَوْ سَنَةٍ قَائِمَةٍ...

لازم به ذکر است که نماز نیز دقیقاً دو بعد و سه حوزه دارد.

بعد ملکوتی که خاستگاه آداب باطنیه نماز است، بعد ناسوتی که خاستگاه آداب ظاهریه نماز است؛ حوزه معرفتی و فکری که خاستگاه اعتقادات مطابقی و ضمنی نماز است، حوزه قلبی که خاستگاه انگیزه ها و احساسات و حالات نماز است، حوزه احکام که خاستگاه دستورات رفتاری نماز است.

پس ما برای دعوت به نماز باید در تمام این ابعاد و ساحات، شیوه های دقیقی را تنظیم کرده به کار بگیریم تا بتوانیم بگوئیم یک دعوت جامع و ثمربخش را انجام داده ایم وگرنه شاید ظاهراً بتوانیم با شیوه های غیر جامع در شخصی رفتار نمازی ایجاد کنیم ولی نتوانسته ایم در او اعتقاد راسخ ایجاد کنیم و یا در او عشق به نماز را به گونه ای نهادینه کنیم که هم به اندازه کافی شوق به نماز داشته باشد و هم در نماز از احساس و لذت سرشار شود.

لذا ما شیوه های عمومی دعوت به نماز را اینگونه تقسیم بندی می کنیم:

- شیوه های مبتنی بر ریشه های فطری جهت درونی سازی ارزش ها.

- شیوه‌های مبتنی بر تعقل و تفکر جهت آگاهی بخشی و ایجاد اعتقاد راسخ.
- شیوه‌های مبتنی بر احساسات و عواطف انسانی جهت انگیزه بخشی و ایجاد شوق و اراده قوی.
- شیوه‌های مبتنی بر رفتار جهت ایجاد عادت مطلوب و تکامل رفتار.

اصل سوم: اصل تدریج

تدریج، سنت و قانون الهی است. تکوین هستی، آفرینش انسان و تشریع شرایع همگی تدریجی بوده است. پیامبران دین وحی را به تدریج دریافت می‌کردند و در ابلاغ رسالت خویش و دعوت، تعلیم و تربیت امت خود بر اساس اصل تدریج عمل کرده‌اند و مربیان بزرگ مسلمان نیز این اصل را در سیره تربیتی خود پاس داشته‌اند. بنابراین مربی، معلم و مبلغ در تربیت، آموزش و دعوتش باید اصل تدریج را مراعات کند و آن را لازمه حیات انسانی بداند، زیرا خداوند کمال آدمی را متأخر از وجودش نهاده است و برای رسیدن به این کمال باید راه تدریج و گام به گام را در پیش گرفت، لذا می‌توان گفت اصل تدرج گشاینده درهای تربیت است و مانع به بن بست کشیده شدن برنامه‌های تربیتی می‌باشد.

قوانین حاکم بر اصل تدریج:

ا. شروع به موقع

گاهی به موقع شروع نکردن با هرگز شروع نکردن تفاوتی ندارد.

مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ^۱

ب. در نظر گرفتن وسع و توان مخاطب

در قرآن کریم تکلیف خواسته شده از بندگان بستگی به وسع و ظرفیت وجودی اعطایی به ایشان داشته و خداوند متعال در موارد مکرری این اصل را متذکر شده‌اند در سوره مبارکه بقره چنین می‌خوانیم:

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا^۲

۱. عیون الحکم و المواعظ (للیثی) ص: ۴۲۳

۲. البقرة: ۲۸۶

در این زمینه آیه‌های دیگری نیز وارد شده است که همگی بر تناسب بین تکالیف احاله شده از سوی خداوند، با استعداد و توان انسان در قبول و انجام دادن آن تکالیف تأکید دارند و نشان می‌دهند اگر کاری از انسان خواسته شده، بدین معناست که وی توانایی انجام دادن آن کار را داراست.

ت. شناخت و در نظر گرفتن مراحل رشد و ویژگی‌های فکری- روانی- رفتاری هر مقطع سنی

در سخنان اهل بیت روایات فراوانی را پیدا می‌کنیم که در تربیت مراحل رشد و ویژگی‌های هر مرحله از سن لحاظ شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ.^۱

و رَوَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: مُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا.^۲

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ أَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعًا، فَإِنْ أَفْلَحَ، وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَأَخِيرَ فِيهِ». الكافي^۳

این اصل حتی در احکام قضایی و حدود مراعات شده است:

عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّبِيِّ يَسْرِقُ قَالَ إِنْ كَانَ لَهُ سَبْعَ سِنِينَ أَوْ أَقَلَّ رُفِعَ عَنْهُ فَإِنْ عَادَ بَعْدَ السَّبْعِ قُطِعَتْ بَنَانُهُ أَوْ حُكَّتْ حَتَّى تَدْمَى فَإِنْ عَادَ قُطِعَ مِنْهُ أَسْفَلُ مِنْ بَنَانِهِ فَإِنْ عَادَ بَعْدَ ذَلِكَ وَ قَدْ بَلَغَ تِسْعَ سِنِينَ قُطِعَتْ يَدُهُ وَ لَا يُضَيِّعُ حَدٌّ مِنْ حُدُودِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ.^۴

در برخی روایات مرحله به مرحله با در نظر گرفتن ویژگی‌های سنی، توصیه های آموزشی - تربیتی بیان شده است.

۱. الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص: ۳۴۳

۲. دعائم الإسلام، ج ۱، ص: ۱۹۵

۳. (ط - دار الحديث) ج ۱۱ ص: ۴۴۱

۴. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۶۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ ثُمَّ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ ثَلَاثُ سِنِينَ وَ سَبْعُهُ أَشْهُرٌ وَ عَشْرُونَ يَوْمًا فَيُقَالُ لَهُ قُلْ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ وَ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَّاتٍ قُلْ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ ثُمَّ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهَا مَيْمَنُكَ وَ أَيُّهَا شِمَائِلُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهَا اسْجُدْ ثُمَّ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتُّ سِنِينَ صَلَّى وَ عَلَّمَ الرُّكُوعَ وَ السُّجُودَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّ سَبْعُ سِنِينَ قِيلَ لَهُ اغْسِلْ وَجْهَكَ وَ كَفْيَكَ فَإِذَا غَسَلَهُمَا قِيلَ لَهُ صَلِّ ثُمَّ يَتْرَكُ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعُ سِنِينَ فَإِذَا تَمَّتْ لَهُ عِلْمُ الْوُضُوءِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهِ وَ أُمِرَ بِالصَّلَاةِ وَ ضُرِبَ عَلَيْهَا فَإِذَا تَعَلَّمَ الْوُضُوءَ وَ الصَّلَاةَ غَفَرَ اللَّهُ لَوْلَايَدِهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى^۱.

ولدك **ریحانتك** سبعا و خادمك سبعا ثم هو عدوك أو صديقك (شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد / ج ۲۰ / ۳۴۳ / الحكم المنسوبة ص : ۲۵۳)

در برخی روایات به در نظر گرفتن این ویژگی های تصریح شده است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع أَنَّهُ سُئِلَ عَنِ الصَّلَاةِ عَلَى الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلَّى عَلَيْهِ فَقَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ فَقُلْتُ مَتَى تَجِبُ الصَّلَاةُ عَلَيْهِ قَالَ إِذَا كَانَ ابْنُ سِتِّ سِنِينَ وَ الصَّيَامُ إِذَا أَطَاقَهُ. مِنْ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيه ج ۱ ص ۱۶۷

ث. شناخت و در نظر گرفتن ویژگی ها و تفاوت های فردی کودک

گاهی در کودک هم سن هم تفاوت هایی در وسع و توانشان وجود دارد، به شکلی که می بینیم در سیر تربیتی باید در یکی با سرعت کمتر و در دیگری با سرعت بیشتری پیش برویم و یا از یکی در سطح بالاتر و از دیگری در سطح پایین تری بهره ببریم.

مثلا در این روایت خود معصومین (علیهم السلام) تفاوت های فردی را مورد ملاحظه قرار داده اند و بین فرزندان خودشان و فرزندان مردم عادی فرق گذارده اند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: إِنَّا نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ فَمُرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ وَ نَحْنُ نَأْمُرُ صِبْيَانَنَا بِالصَّوْمِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ مِمَّا أَطَاقُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ إِنْ كَانَ إِلَى نَصْفِ النَّهَارِ أَوْ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ أَوْ أَقَلَّ فَإِذَا غَلِبَهُمُ الْعَطَشُ

وَ الْغَرْتُ أَفْطَرُوا حَتَّى يَتَعَوَّدُوا الصَّوْمَ وَ يُطِيقُوهُ فَمَرُوا صَبِيَانَكُمْ إِذَا كَانُوا بَنِي تِسْعِ سِنِينَ
بِالصَّوْمِ مَا اسْتَطَاعُوا مِنْ صِيَامِ الْيَوْمِ فَإِذَا غَلَبَهُمُ الْعَطَشُ أَفْطَرُوا.

ج. کسب مهارت های لازم در تأثیر گذاری در هر مقطع

اینکه در هر مرحله از سن و سیر تربیت و دعوت از چه دریچه ای می توان تأثیر گذار بود و کدام حوزه و ساحت وجودی مرتبی باید مورد توجه بیشتری قرار بگیرد اهمیت بسیار بالایی دارد. به شکلی که عدم رعایت این موضوع آسیب های بسیار جدی را خواهد داشت.

در روایت زیر امیرالمؤمنین ع در هر سنی یکی از ابعاد تربیت را مورد توجه قرار داده اند:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع رَبِّي الصَّبِيَّ سَبْعًا وَ يُؤَدِّبُ سَبْعًا وَ يُسْتَخْدَمُ سَبْعًا وَ مُنْتَهَى طَوْلِهِ فِي
ثَلَاثٍ وَ عِشْرِينَ سَنَةً وَ عَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَا لَتَجَارِبٍ.^۱

ح. بازخورد گیری

در هر مرحله تربیتی باید از مراحل قبل، جهت رفع آسیب های گذشته و حرکت به سمت هدف های آینده، بازخورد گیری دقیقی به عمل آید، در غیر اینصورت مربی بدون در نظر گرفتن جایگاه مرتبی و آسیب های قبلی اش حرکت می کند و همین حرکت کور رشد تدریجی مرتبی را دچار اختلال می کند.

اصل چهارم: اصل تعادل

تعریف

اعتدال در مقابل افراط و تفریط است. افراط یعنی زیاده روی کردن در چیزی و تفریط یعنی کم دیدن و کم آوردن چیزی. هرکدام از این دو موجب اختلال در بقا، استمرار و سلامت امور می شود. در تعلیم و تربیت نیز که با روح و روان انسانها سروکار دارد، پرهیز از افراط و تفریط از لوازم تعلیم و تربیت کارآمد و تأثیرگذار است.

سند

قرآن و سیره

اعتدال و میانه روی، زیر بنای تعلیم اسلام است؛ به طوری که در همه دستورها و مقررات آن، از هر گونه افراط و تفریط جلوگیری شده است.

اصل تعادل، از اصولی است که در قرآن کریم بدان عنایت شده است. خداوند متعال در قرآن کریم می‌فرماید: « وَ كَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا^۱ ». همچنین، در حیات سراسر نورانی پیامبر اکرم - صلی الله علیه و آله و سلم - و ائمه هدی - علیهم السلام - این اصل را در همه اعمال و رفتارشان مشاهده می‌کنیم. امام علی - علیه السلام - درباره پیامبر - صلی الله علیه و آله و سلم - فرمودند: « سِيرَتُهُ الْقَصْدُ » (سیره اش تعادل و میانه روی بود).

وَ لَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَ لَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسْطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا^۲

نکته

علاقه مفرط برخی والدین به مذهبی شدن فرزندان شان و اصرار بیش از حد آنان در این زمینه، بی توجهی به توان، استعداد و نیازهای روحی و روانی کودکان شان و خارج شدن از مرز اعتدال، عواقب ناگوار و نامطلوبی - همچون بدبینی به مذهب - را در پی خواهد داشت.

از طرفی بی توجهی و بی تفاوتی برخی دیگر از والدین یا سهل انگاری و ملاطفت بیش از حد آنان عامل لااوبالی گری و بی قیدی فرزندان در ارزش های دینی می شود.

روایت

الإِفْرَاطُ فِي الْمَلَامَةِ يُشِبُّ نِيرَانَ الْجَاجَةِ^۳

اصل پنجم: اصل تداوم و استقامت

مداومت و استقامت در امر دعوت و تربیت هم سیره ی انبیاء الهی بوده است و هم سفارش خالق انسان به عهده داران امر تربیت و تبلیغ، چرا که در امر تربیت و دعوت دینی

۱. البقرة: ۱۴۳

۲. الإسراء: ۲۹

۳. عیون الحكم و المواعظ (للیثی) ص: ۱۷

نه تنها کارهای مقطعی اثر بخشی و ماندگاری ندارد، بلکه در بسیاری از موارد آسیب زا است.

دکتر قائمی در این باره می‌نویسد: «برای تقویت و ایجاد رفتاری ثابت و عادی استوار در کودک و نوجوان، باید از مجرای تکرار وارد شد. بسیار از افکار و اعمال، در سایه‌ی تمرین و عمل مکرر در انسان تثبیت می‌شوند. حتی ایمان آدمی هم، نوعی تثبیت در سایه‌ی عمل است، « لَا يَتَّبِعُ الْإِيمَانُ إِلَّا بِعَمَلٍ » [اصول کافی، ج ۱، ص ۱۰]

هر قدر عمل مکرر باشد، امکان تثبیت آن بیشتر خواهد بود.

سند

قرآن

فَلِذَلِكَ فَادُعْ وَاسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَ لَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ [شوری/۱۵].

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ [احقاف/۱۳].

وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا [جن/۱۶].

حضرت نوح شبانه روز به مدت ۹۵۰ سال امر دعوت را ادامه داد.

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَ نَهَارًا (نوح/۵)

العنکبوت : ۱۴ وَ لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا....

روایت

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): قَلِيلٌ تَدُومُ عَلَيْهِ أَرْجَى مِنْ كَثِيرٍ مَمْلُولٍ مِنْهُ [نهج البلاغه، حکمت ۲۷۸].

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ (ع): إِنْ أَخَّرَ حَجَرَ يَضَعُهُ الْعَامِلُ هُوَ الْإِسْلَامُ [معاني الاخبار، ص ۳۴۸].

قَالَ الصَّادِقُ (ع): الْإِبْقَاءُ عَلَى الْعَمَلِ حَتَّى يَخْلُصَ أَشَدُّ مِنَ الْعَمَلِ [کافی، ج ۲، ص ۱۶].

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص: الْأُمُورُ بِتَمَامِهَا وَ الْأَعْمَالُ بِخَوَاتِمِهَا [عوالي اللئالی، ج ۱، ص ۲۸۹].

فصل دوم:

شیوه‌های مبتنی بر ریشه‌های فطری جهت درونی سازی ارزش ها

شیوه های جذب براساس ریشه هاي فطري نماز

احساس سپاس گزاري

تبیین حس سپاس گزاری

وقتي کسي به ما لطفي مي کند يا هديه مي دهد، اين پيامها را دريافت مي کنيم :

- (۱) هديه دهنده مرا دوست دارد.
- (۲) هديه دهنده دوست دارد که از هديه او خوب استفاده کنم.
- (۳) خود را موظف ميدانم در برابر لطف او عکس العملی نشان دهم.
- (۴) عکس العمل خوب من زمینه ساز هداياي ديگر است.
- (۵) بين ارزش هديه و نوع تشکر رابطه‌اي احساس مي‌کنم.
- (۶) نوع تشکر را براساس رضايتمندي هديه دهنده تنظيم مي‌کنم.

راهکارهای تقویت حس سپاس گزاری :

ما می‌توانیم، با یاد آوری نعمت‌ها، با شمارش نعمت‌ها، با نمایش نعمت‌ها و با تبیین نعمت‌ها، احساس سپاس‌گذاری از خدا را پرورش دهیم.

احساس ستايشگري

تبیین حس ستایشگری

وقتي در برابر عظمت يا زيبايي قرار مي گيريم، اين پيامها را دريافت مي کنيم:

- (۱) از عظمت و زيبايي لذت مي بریم.
- (۲) در برابر آفريننده آن اثر بزرگ و زيبا احساس تواضع و فروتنی می‌کنیم.
- (۳) دوست داريم خود را به آفريننده آن اثر بزرگ و زيبا نزديک کنیم.

- (۴) خود را موظف می دانیم که عظمت و زیبایی را ستایش کنیم.
- (۵) دوست داریم خود نیز به گونه ای خالق عظمت و زیبایی شویم.
- (۶) دوست داریم باز هم زیبایی ها و عظمت های جدیدی را مشاهده کنیم.

راهکارهای پرورش روحیه ستایشگری:

ما می توانیم، با یاد آوری زیبایی ها و عظمت ها، با شمارش زیبایی ها و عظمت ها، با نمایش زیبایی ها و عظمت ها، با تبیین زیبایی ها و عظمت ها، احساس ستایشگری از خدا را پرورش دهیم.

احساس پناه جویی

تبیین حس پناه جویی

وقتی خطری ما را تهدید می کند، این پیامها را دریافت می کنیم:

- (۱) احساس می کنیم کسی هست که به ما کمک کند و ما را نجات دهد.
- (۲) احساس می کنیم کسی می تواند به ما کمک کند و ما را نجات دهد که خطر را بشناسد، ما را بشناسد و دوست بدارد، قدرت دفع خطر را داشته باشد
- (۳) احساس می کنیم هر چه خطر بزرگتر باشد باید پناه دهنده داناتر و قویتر باشد
- (۴) احساس می کنیم حیات ما مرحون لطف پناه دهنده است.

راهکار پرورش حس پناه جویی:

ما می توانیم با تبیین خطرات، شمارش خطرات، نمایش خطرات و یادآوری خطرات، احساس پناه جویی از خدا را پرورش دهیم.

احساس رازگویی

تبیین حس رازگویی

وقتی دلتنگ می شویم، این پیامها را دریافت می کنیم:

- (۱) احساس می کنیم حرف هایی داریم که باید به کسی بگوییم.
- (۲) احساس می کنیم حرف هایی داریم که دیگران ندارند.
- (۳) احساس می کنیم حرف هایی داریم که به هرکسی نمی توانیم بگوییم.

۴) احساس می کنیم کسی می تواند حرف های ما را بشنود که ما را بشناسد و دوست بدارد، مهربان، شفیق، لطیف، غنی و بی نیاز باشد.

راهکارهای پرورش حس رازگویی:

ما می توانیم با، باز گویی درد دل با خدا، نمایش و نگارش مناجات ها، جهت دهی دل تنگی ها، ایجاد فضای راز و نیاز و مطالعه دل نوشته ها، احساس رازگویی و درد دل با خدا را تقویت کنیم.

احساس نیاز خواهی

تبیین حس نیاز خواهی

وقتی محتاج می شویم، این پیامها بر جان ما نقش می بندد:

- ۱) احساس می کنیم نیازمندیم و توانایی رفع نیاز خود را نداریم.
- ۲) احساس می کنیم دیگران توانای رفع نیاز ما را ندارند اگر هم بتوانند بر ما منت می گذارند یا کمک شان ادامه دار نخواهد بود.
- ۳) دوست داریم نیازهای خود را برای کسی شمارش کنیم.
- ۴) دوست داریم نیازهای خود را برای کسی بگوییم که: ما را بشناسد و دوست بدارد، بی نیاز، دانا، توانا، بی منت، بخشنده و مهربان باشد.

راهکارهای پرورش حس نیاز خواهی:

ما می توانیم با شمارش نیازها، جهت دهی نیازها به بی نیاز واقعی، ایجاد فضای نیازخواهی و مطالعه دعاها احساس نیازخواهی در پیشگاه خدا را تقویت کنیم.

فصل سوم: شیوه‌های آگاهی بخشی و مبتنی بر تعقل و تفکر

سند

مبلغ در صورتی می‌تواند مردم را به حق هدایت کند که هم خود، «آگاه» باشد و هم بر اساس آگاهی مردم را به دین دعوت کند؛

«قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُو إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ...»^۱

«بگو این راه من است. من و پیروانم با بصیرت و آگاهی کامل، مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم.»

حضرت خضر علیه السلام که مسئولیت تعلیم حضرت موسی علیه السلام را بعهده داشت توسط خداوند آموزش یافته و آگاه شده بود؛

«فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا»^۲

اینگونه است که خداوند متعال از پیروی انسان‌های نادان و ناآگاه نهی فرموده است: «و لا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الدِّينِ لِيَعْلَمُونَ»^۳

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: با علم و آگاهی سخن بگویند که هیچ خیری در سخن جاهلانه نیست: «لا خیر فی القول بالجهل»^۴

و در جای دیگر می‌فرماید: «لَا تَقُلْ مَا لَا تَعْلَمُ فَتُتَّهَمَ بِإِخْبَارِكَ بِمَا تَعْلَمُ»^۵

«آنچه را نمی‌دانی نگو زیرا در این صورت گفتارهای درست تو نیز مورد تهمت قرار می‌گیرد و مردم نسبت به همه سخنان با دیده تردید می‌نگرند.»

۱. یوسف: ۱۰۸

۲. الکهف: ۶۵

۳. جائیه: ۱۸

۴. نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۷۱

۵. غرر الحکم و درر الکلم، ص: ۷۶۶

عرصه های شناخت افزایی در دعوت به نماز

ا. خودشناسی

انسان وقتی با کمالات بالقوه گوهر وجود خود آشنا شود، یا وقتی نقطه ضعف های خود را بشناسد و متوجه خطراتی که انسانیت او را تهدید می کند بشود، به خوبی در می یابد که نیاز به راهکاری دارد که در سایه آن از منجلاب خطرات و نواقص وجودی خود نجات یابد و به سمت کمالات بی پایان پیش رویش اوج گیرد، و مسلم است که در این میان نماز نقش اساسی دارد، پس خودشناسی یکی از بهترین راهکارهای دعوت به نماز است.

ب. خداشناسی

در شناسایی عوامل سستی یا ترک نماز بیان شد که جهل نسبت به

ت. معاد شناسی

ث. نماز شناسی

ج. سیره شناسی

روش های شناخت افزایی در دعوت به نماز

ا. بیان

- (۱) برهان
- (۲) موعظه
- (۳) گفتگوی صمیمانه
- (۴) جدل
- (۵) سخنوری
- (۶) تبلیغ چهره به چهره

ب. مشاهده

ت. سیر و سفر

ث. مباحثه

ج. تحدی

ح. عبرت

فصل چهارم:

شیوه‌های انگیزه بخشی و مبتنی بر احساس و انگیزه

تحريك عواطف

خداوند متعال از این شیوه برای تربیت انسان‌ها استفاده می‌کند بطور مثال برای دور نمودن مردم از غیبت کردن، آن را به خوردن گوشت برادر مرده تشبیه می‌کند که با توجه به نفرت انسان از مرده خواری عواطف و احساسات را برمی انگیزد: «ایحِبَّ احَدکم ان یأکل لحم اخیه میتاً» حجرات/ ۱۲

حضرت ابراهیم علیه السلام عموی خود آزر را با لفظ «یا اَبَت» «ای پدرم»، خطاب می‌فرمود، تا شاید از این راه دلش نرم شده، عاطفه‌اش برانگیخته و به راه راست هدایت شود مریم/ ۴۲.

بخاطر حفظ عواطف و احساسات مردم در سوره حجرات به ما سفارش شده که از یکدیگر به زشتی یاد نکنید. اسلام به ما سفارش کرده است که حتی کودکان را با نام خوب و کنیه صدا بزنید، اگر کودکی در جایی نشست او را بلند نکنید. اگر سخنی گفت گوش دهید، اگر به او قوی دادید عمل کنید. در سلام کردن میان فقیر و ثروتمند فرقی نگذارید. در میهمانی‌ها هم فقیران را دعوت کنید و هم ثروتمندان را. در امر به معروف و نهی از منکر، کلام نرم بکار ببرید. هرگز خود را یکطرفه، بر حق ندانید و انصاف را رعایت کنید. اینها همه برای حفظ عواطف و احساسات است.

قرآن برای ترساندن مردم از تقسیم ناعادلانه ارث عواطف پدری را تحريك کرده و فرزندان یتیمش را در مقابل چشمان او مجسم می‌سازد؛ «ولیش الذین لو ترکوا من خلفهم ذریة ضعافا خافوا علیهم»^۱؛ «باید از خدای بترسند کسانی که اگر پس از مرگ خویش فرزندانی ناتوان بر جای گذارند از سرفروشت آنها بیمانند.»

و برای ترغیب فرزندان به احترام والدین و توهین نکردن به آنها پیری و ناتوانی آنها را مطرح کرده و می‌فرماید:

«و بالوالدین احساناً اَمَّا یَبْلُغَنَّ عِنْدَکَ الْکِبَرُ احدهما او کلاهما فلا تقبل لهما اَفَّ و لا تنهرهما و قل لهما قولاً کریماً» اسراء/ ۲۳

برای دور نمودن مردم از انفاق‌ریایی یا انفاق با منت و آزار قرآن کریم چنین تمثیلی را بیان می‌فرماید:

«آیا می‌خواهید یکی از شما باغی داشته باشد از درخت خرما و انگور که در زیر آن درختان، جوی‌های روان و در آن هرگونه میوه موجود باشد ناگاه ضعف و پیری برای او فرا رسد (که هیچ کاری نتواند انجام دهد) و او، فرزندان کوچک و ناتوانی داشته باشد (که به کاری قادر نیستند) و در باغ او بادی آتش بار افتد و همه را بسوزاند و تنها منبع در آمد کودکان ضعیفش نابود شود؟ (حال کسی که به ریا و منت یا اذیت انفاق کند اینگونه است.»

در این مثال، مسایل پیری، کودک، ضعف، آتش‌سوزی و فقر مطرح است که همه برای برانگیختن عواطف و احساسات است.

و برای ترغیب مردم به یاری یتیمان، روحیه برادری را زنده می‌کند:

«و یَسْئَلُونَکَ عَنِ الْیَتَامٰی قُلْ اَصْلَاحْ لَهُمْ خَیْرٌ وَّ اِنْ تَخَالَطُوْهُمْ فَاٰخِزُوْهُمْ»^۱

«و از تو سؤال می‌کنند که با یتیمان چگونه رفتار کنند. در جواب بگو اصلاح کارشان بهتر است و اگر با آنها رفت و آمد کنید رواست چرا که برادران دینی شما هستند.»

حضرت عیسی علیه السلام برای برداشتن عذاب از مردم، در هنگام دعا با جمله‌ای عاطفی از خداوند می‌خواهد؛ خدایا اگر بنی اسرائیل را عذاب کنی همه بندگان تواند: «ان تعذبهم فانهم عبادک»^۲

۱. البقرة : ۲۲۰

۲. المائدة : ۱۱۸

بخش سوم: شیوه های دعوت بر اساس سن

فصل اول: قبل از مدرسه (پیش از هفت سال)

ویژگی های این دوره

۱) عدم درک مفاهیم انتزاعی، ضعف در تفکر و تمرکز و رشد و در عین حال فعال بودن قوای حسی و عاطفی

وَاللّٰهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَارَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ^۱

۲) وابستگی شدید به والدین و اطرافیان

وَبِإِسْنَادِهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ص الْوَلَدُ رِيحَانَةٌ وَرِيحَانَتَايَ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنُ.^۲

قَالَ النَّبِيُّ ص الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَعَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَوَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ ...^۳

۳) بازی محور زندگی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالْزِمُهُ نَفْسَكَ سَبْعًا فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ.^۴

۴) تخیل (جاندارپنداری)

درک رابطه اشیا و مفاهیم مکانی (بالا، پایین، جلو، عقب، چپ، راست) از راه حواس در ۵ سالگی

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ سَمِعْتُهُ يَقُولُ إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ يُقَالُ لَهُ قُلْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ... ثُمَّ يَتْرَكَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ خَمْسُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ أَيُّهُمَا يَمِينُكَ وَ أَيُّهُمَا شِمَالُكَ فَإِذَا عَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَ يُقَالُ لَهُ اسْجُدْ ... من لا يحضره الفقيه ج ۱ ص ۲۸۰

۱. النحل: ۷۸

۲. صحیفة الإمام الرضا علیه السلام ۴۵

۳. وسائل الشیعة ج ۲۱ ص ۴۷۴

۴. الکافی ج ۶ ص ۴۶

۵) تشخیص طلبی/حس خوفاًیی

۶) تقلید شدید

۷) دوران شکل گیری شخصیت و وجدان اولیه

بایسته‌های این دوران

تربیت بازی - تربیت از راه بازی

تربیت حواس و تخیل - تربیت از راه حواس و تخیل

تربیت شخصیت و وجدان اولیه - ایجاد سیستم ارزش گذاری

استفاده صحیح و مراقبت از حس تقلید و حس خودنمایی

ایجاد عادات مطلوب رفتاری و مراقبت از....

راه کارها

ا. نمایش عظیم از عظمت نماز

از ویژگی‌هایی که برای این دوره مطرح شد فعال بودن حواس و قدرت تقلید بالا و توجه بالا به کنش‌ها و واکنش‌های اطرافیان است که در ضمن آن سیستم ارزشگذاری و شخصیت کودک شکل می‌گیرد، به همین دلیل والدین و اطرافیان (مربیان)، باید عظمت نماز را به نمایش بگذارند تا کودک هم متوجه رفتار عبادی مربی شود و هم میزان اهتمام مربی، ارزش نماز را در ذهن او در بالاترین سطح شکل دهد و کودک ترغیب به تقلید رفتار عبادی شده و با تکرار رفتار هم عادات مطلوب در او شکل گیرد و هم با تمرین ناخودآگاه این رفتارها به طور عملی و غیر مستقیم آموزش ببیند.

برای اینکه اهتمام به این فریضه با عظمت تجسم عملی پیدا کند و در ذهن کودک نماز کم ارزش جلوه نکند وظیفه مربی و اطرافیان بسیار خطیر است، برای تحقق این مهم برای نمونه چند راهکار پیشنهاد می‌شود و طراحی راهکارهای متنوع و جذاب دیگر به عهده خلاقیت والدین و مربیان واگذار می‌شود.

(۱) زینت

هر کاری که برای ما مهم باشد، قبل از انجام آن، خودمان را مهیا می‌کنیم، مثلاً اگر بخواهیم در جشنی شرکت کنیم یا به مهمانی کسی برویم که خاطرش برایمان عزیز است، سعی می‌کنیم لباس زیبایی بپوشیم و آراسته باشیم. این موضوع را فرزندان ما می‌بینند و درک کرده، بر اساس آن بر افعال ما ارزشگذاری می‌کنند. در ضمن این سیره اهل بیت علیهم السلام بوده است که هنگام نماز به بهترین شکل خودشان را می‌آراستند.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: بَعَثَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع عَبْدِ اللَّهِ بْنَ عَبَّاسٍ - إِلَى ابْنِ الْكَوَّاءِ وَ أَصْحَابِهِ وَ عَلَيْهِ قَمِيصٌ رَقِيقٌ وَ حُلَّةٌ فَلَمَّا نَظَرُوا إِلَيْهِ قَالُوا يَا ابْنَ عَبَّاسٍ - أَنْتَ خَيْرُنَا فِي أَنْفُسِنَا وَ أَنْتَ تَلْبَسُ هَذَا اللَّبَاسَ فَقَالَ وَ هَذَا أَوَّلُ مَا أَخَاصَمَكُم فِيهِ قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ وَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ.^۱

عن أبي الحسن الرضا ع في قول الله: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» قال: هي الثياب.^۲

عن خيثمة بن أبي خيثمة قال كان الحسن بن علي ع إذا قام إلى الصلاة لبس أجود ثيابه، فقل له: يا ابن رسول الله لم تلبس أجود ثيابك فقال: إن الله تعالى جميل يحب الجمال فأتجمل لربي، و هو يقول: «خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ» فأحب أن ألبس أجود ثيابي.^۳

آرایه و شانه کردن مو

۳۱۸- وَ سَأَلَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا ع - عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ قَالَ مِنْ ذَلِكَ التَّمَشُّطُ عِنْدَ كُلِّ صَلَاةٍ.^۴

۳- امام صادق علیه السلام فرمود: در بیان آیه شریفه خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ (هر گاه بمسجد شوید خود را آرایش کنید) فرمود مقصود از آرایش شانه زدن است شانه زدن جلب روزی کند و موی را زیبا گرداند و حاجت روا سازد و منی را بیفزاید و بلغم را ببرد

۱. وسائل الشیعة ج ۵ ص: ۱۵

۲. تفسیر العیاشی ج ۲ ص: ۱۲

۳. الکافی (ط - الإسلامیة)، ج ۶ ص: ۴۸۸

۴. من لا یحضره الفقیه ج ۱ ص: ۱۲۶

رسول خدا را شیوه آن بود که زیر ریش خود را چهل بار شانه میزد و از بالای ریش هفت بار و میفرمود: که این چنین شانه زدن هوش را زیاد میکند و بلغم را می برد.^۱

کفش زیبا و انگشتر

قَالَ النَّبِيُّ ص فِي قَوْلِهِ تَعَالَى خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ النُّعْلَ وَ الْخَاتَمَ.^۲

(۲) اول وقت

یکی دیگر از نشانه های اندازه اهتمام ما به یک موضوع انجام دادن آن در اولین فرصت است، وقتی تلفن زنگ می زند اگر تماس گیرنده برایمان عزیز باشد بی درنگ پاسخ می دهیم، اما وقتی صدای اذان را می شنویم، چه؟ باز هم باید تاکید شود که متربی رفتار مربی را زیر زره بین دارد و از آن تأثیر می پذیرد.

دَعَانُمُ الْإِسْلَامَ، عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع أَنَّهُ قَالَ: عَلَيْكُمْ بِالْمَحَافَظَةِ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ فَلَيْسَ مِنِّي مَنْ ضَيَعَ الصَّلَاةَ^۳
امام علی (علیه السلام): نماز را در وقت مقرر آن به جای آور، و به خاطر فراغت عجله مکن و به علت اشتغال آن را به تأخیر مینداز، و بدان که همه اعمال تو به نماز تو بستگی دارد.^۴

(۳) نمازمحوری

باید محور سخن گفتن ما و ملاک برنامه ریزی در امورات خانه اوقات نماز باشد، تا فرزندان ما روز به روز اهمیت این فریضه را بیش از پیش با تمام وجود حس کنند.

در قرآن حتی زمان بندی روابط خصوصی زوجین بر اساس اوقات نماز برنامه ریزی شده است، این نوع ادبیات و روش برنامه ریزی، باید منش ما باشد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِيَسْتَأْذِنَكُمْ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَ الَّذِينَ لَمْ يَلْبُغُوا الْحُلُمَ مِنْكُمْ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِنْ قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَ حِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُمْ مِنَ الظَّهْرِ وَ مِنْ بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ثَلَاثُ

۱. الخصال، ترجمه فهری ج ۱ ص: ۲۹۷

۲. مکارم الأخلاق ص: ۱۲۳

۳. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۳ ص: ۹۵

۴. (نهج البلاغه، نامه ۲۷)

عَوْرَاتٍ لَّكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدَهُنَّ طَوَافُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ^۱

مگر نه این است که امیر المؤمنین ع محور تمام فعالیت‌های زندگی ما را نماز معرفی می‌کنند:

كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ أَنْظِرْ صَلَاةَ الظُّهْرِ إِلَيَّ أَنْ قَالَ وَاعْلَمْ يَا مُحَمَّدُ أَنَّ كُلَّ شَيْءٍ تَبَعَ لِصَلَاتِكَ وَاعْلَمْ أَنَّ مَنْ صَبَحَ الصَّلَاةَ فَهُوَ لِعِزِّهَا أَضِيعُ^۲

(۴) اتاق نماز

وقتی در تأسیسات خانه، مدرسه، اداره و تفریح گاه‌های ما نماز جایگاه و پایگاه مشخص داشته باشد، برای مخاطبان خود این پیام را مخابره می‌کند که نماز دارای جایگاه و اهمیت بالایی است، لذا ما باید در خانه خودمان هم برای نماز جایگاه مشخصی را در نظر بگیریم تا فرزندانمان دریابند که نماز همان گونه که در تأسیسات منزل نمادهایی دارد در قلب ما خانه کرده و برایمان عزیز است.

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: كَانَ عَلِيٌّ ع قَدْ اتَّخَذَ بَيْتًا فِي دَارِهِ لَيْسَ بِالْكَبِيرِ وَلَا بِالصَّغِيرِ وَكَانَ إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصَلِّيَ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ أَخَذَ مَعَهُ صَبِيًّا لَا يَحْتَشِمُ مِنْهُ ثُمَّ يَذْهَبُ إِلَى ذَلِكَ الْبَيْتِ فَيُصَلِّي.^۳

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: «اتَّخِذْ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ، ...»^۴

(۵) اقامه نماز خانوادگی و دسته جمعی در خانه

التحریم: ۶ یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا طه: ۱۳۲ وَ أَمْرُ أَهْلِكَ بِالصَّلَاةِ وَ اصْطِرِّ عَلَيْهَا لَا نَسْتَلِكُ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى

۱. النور: ۵۸

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ج ۳ ص: ۲۷

۳. وسائل الشيعة ج ۵ ص: ۲۹۴

۴. «اتَّخِذْ مَسْجِدًا فِي بَيْتِكَ، فَإِذَا خَفَتْ شَيْئًا، فَالْبَسْ ثَوْبَيْنِ غَلِظَيْنِ مِنْ أَغْلَظِ ثِيَابِكَ، وَ صَلِّ فِيهِمَا، ثُمَّ اجْثُ عَلَى رُكْبَتَيْكَ، فَاصْرُخْ إِلَى اللَّهِ، وَ سَلِّهِ الْجَنَّةَ، وَ تَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّ الَّذِي تَخَافُهُ، وَ إِيَّاكَ أَنْ يَسْمَعَ اللَّهُ مِنْكَ كَلِمَةً بَغْيٍ، وَ إِنْ أُعْجِبَتْكَ نَفْسُكَ وَ عَشِيرَتُكَ». الكافي ج ۶ ص: ۶۳۰

ب. فرصت تقلید

علاوه بر نمایش عظیم از عظمت نماز مربی باید در صدد آن باشد که اولاً مربی متوجه نماز او شده و از کارهای دیگرش دست بکشد و از نماز او تقلید کند و ثانیاً شرایطی را فراهم کند که او زمان و امکانات لازم برای تقلید را در اختیار داشته باشد، برای تحقق این مرحله نیز چند نمونه راهکار عملی پیشنهاد می‌شود.

(۱) سجاده جدا

قبل از شروع نماز سجاده‌ی جدا می‌اندازیم تا کودک احساس کند جایگاهی برای او وجود دارد و زمینه برای تقلید فراهم شود.
چند نکته درباره سجاده:

- از حدود یک سالگی می‌توانیم برای کودک سجاده جدا بیندازیم.
- در سن‌های پایین‌تر بهتر است مهر گلی نباشد تا اگر کودک در دهانش کرد مشکلی پیش نیاید و در ضمن قابل شستشو باشد.
- از حدود چهار سالگی اجازه دهیم که کودک خودش ساده‌اش را انتخاب کند.
- هر چند وقت یک بار جذابیت جدیدی در سجاده ایجاد کنیم تا همیشه تازگی داشته باشد، حتی اگر لازم شد سجاده را بعد از مدتی عوض کنیم.
- با استفاده از خاطرات و داستان‌هایی درباره سجاده و به کارگیری تخیل کودک بین او و سجاده یک ارتباط عمیق عاطفی ایجاد کنیم.
- با توجه به جاندار پنداری کودک می‌توانیم گاهی از او بخواهیم که با سجاده-اش سخن بگوید یا خودمان در مقابل او این کار را انجام دهیم.
- سجاده را به موضوعات زیبا و دوست داشتنی تشبیه کنیم، مثلاً قالیچه پرند که ما را به آسمان‌ها می‌برد.

(۲) بازی

در گذشته گفته شد که بازی نقش محوری در زندگی کودک دارد، لذا باید از این فرصت طلایی برای آموزش، ترغیب و نهادینه کردن رفتارهای دینی مطلوب کمال استفاده را کرد.

- اگر هنگام نماز کودک سخت مشغول کار دیگری بود و متوجه نماز خواندن بزرگترها نشد، می‌توانیم با بازی‌هایی او را به نماز متوجه و ترغیب کنیم. مثل بازی پرواز سجاده‌ها/یا بازی مسابقه تا وضوخانه/یا بازی جهت یابی/
- می‌توانیم با طراحی بازی‌هایی اجزاء و احکام نماز را به مربی آموزش دهیم

- ایجاد و تقویت برخی از حس ها و معارفی که ریشه های فطری و فکری نماز را زمینه سازی می کند از راه بازی امکان پذیر است.
 قَالَ سَمِعْتُ الْعَبْدَ الصَّالِحَ يَقُولُ تُسْتَحَبُّ عَرَامَةُ الْغُلَامِ «۱» فِي صَغَرِهِ لِيَكُونَ حَلِيمًا فِي كِبَرِهِ ثُمَّ قَالَ مَا يَنْبَغِي إِلَّا أَنْ يَكُونَ هَكَذَا وَ رُوِيَ أَنَّ أَكْبَسَ الصَّبِيَّ أَشَدَّهُمْ بَغْضًا لِلْكِتَابِ (بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۵۷، ص: ۳۶۱)

(۳) اذان

اذان سرودی است که با جلوه های هنری و معنویش، مربی را در هر سنی که باشد به سوی نماز جذب می کند، اما آنچه مهم است، چگونگی بهره برداری از این ترانه ملکوتی ست.

(۴) تناسب

مربی باید مراقب باشد که هنگام نماز شرایط و حال و هوای کودک را درک کند، اگر کودک نسبت به نماز او واکنش منفی نشان داد یا در هنگام نماز شرایط نامناسبی داشت، نماز را کوتاه و اگر در جایی لازم بود نماز را طولانی تر بجا آورد.
 نمونه:

- گاهی لازم می شود نماز را کوتاه کنیم:
 پیامبر نماز را سریع خواند

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ ص بِالنَّاسِ الظُّهْرَ فَخَفَّفَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَلَمَّا انْصَرَفَ قَالَ لَهُ النَّاسُ هَلْ حَدَّثَ فِي الصَّلَاةِ حَدَّثٌ قَالَ وَمَا ذَاكَ قَالُوا خَفَّفْتَ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ فَقَالَ لَهُمْ أَمَا سَمِعْتُمْ صِرَاحَ الصَّبِيِّ. الكافي ج ۶ ص ۴۸

- گاهی لازم می شود نماز را طولانی کنیم:

و رُوِيَ عَنِ النَّبَايِ بْنِ سَنَدِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ شَدَّادٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ خَرَجَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ ص فِي إِحْدَى صَلَاتَيِ الْعِشَاءِ وَ هُوَ حَامِلٌ حَسَنًا فَتَقَدَّمَ النَّبِيُّ ص فَوَضَعَهُ ثُمَّ كَبَّرَ لِلصَّلَاةِ فَصَلَّى فَبَسَجَدَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتَهُ سَجْدَةً فَأَطَالَهَا قَالَ إِنِّي رَفَعْتُ رَأْسِي فَإِذَا الصَّبِيُّ عَلَى ظَهْرِ رَسُولِ اللَّهِ ص وَ هُوَ سَاجِدٌ فَرَجَعْتُ إِلَى سَجُودِي فَلَمَّا قَضَى رَسُولُ اللَّهِ ص الصَّلَاةَ قَالَ النَّاسُ يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّكَ سَجَدْتَ بَيْنَ ظَهْرَانِي صَلَاتَكَ سَجْدَةً أَطْلَعْتَهَا حَتَّى ظَنَنَّا أَنَّهُ قَدْ حَدَّثَ أَمْرٌ أَوْ كَشَفَ الْغَمَةَ فِي مَعْرِفَةِ الْأُمَّةِ ج ۱ ص ۵۱۹

- گاهی لازم می شود نماز را اندکی با تأخیر شروع کنیم:

روزی پیامبر صلی الله علیه وآله برای نماز، به مسجد می رفت ، در راه ، گروهی از کودکان انصاری ، بازی می کردند ، تا آن اینکه آن حضرت ، همواره

حسن و حسین را دیدند، دور آن حضرت آمدند، و لباس او خود را آویخته ، و به گمان اینکه آن حضرت از يك سو نمی خواست ، آنها را نیز به دوش بگیرد، هر يك می گفت : كن جملى : شتر من باش .

آن حضرت از يك سو نمی خواست خود را به مسجد برساند.

بلال حبشی از مسجد بیرون آمد و به جستجوی پیامبر صلی الله علیه وآله پرداخت ، آن حضرت را در کنار جمعی از کودکان یافت ، جریان را فهمید، بلال قصد کرد که کودکان را گوشمالی دهد، تا آن حضرت را آزاد کنند.

آن حضرت ، بلال را از اجرای تصمیم خود، نهی کرد و فرمود: تنگ شدن وقت نماز برای من محبوبتر از رنجاندن این کودکان است ، سپس به بلال فرمود: برو حجره ای خانه را گردش کن که آنچه (از گرو و یا خرما و...) یافتی بیاور، تا خود را از این کودکان باز خرید کنم .

بلال رفت و پس از جستجو، هشت دانه گردو یافت به حضور پیامبر (ص) آورد، پیامبر به کودکان فرمود:

اتبعون جملکم بهذه الجوزات

آیا شما شتر خود را به این گردوها می فروشید؟.

کودکان به این داد و ستد راضی شدند، و گردوها را گرفتند و آن حضرت را آزاد نمودند، پیامبر صلی الله علیه وآله به راه خود به طرف مسجد ادامه داد، در حالی که می فرمود:

رحم الله اخی یوسف باعوده بثمان بخص دراهم معدوده ...

خداوند برادرم ،یوسف را رحمت کند، که او را (برادرانش) به چند درهم اندک فروختند (چنانکه این مطلب در آیه ۲۰ سوره یوسف آمده است)

اما این کودکان ، مرا به هشت دانه گردو فروختند، با این فرق که برادرانی یوسف ، وی را از روی دشمنی فروختند، ولی این کودکان از روی نادانی فروختند .

وقتی بلال این همه محبت را دید، تحت تاءثیر قرار گرفت ، و به پای مبارک آن حضرت افتاد، و به اظهار تواضع کرد و گفت :

الله اعلم حیث یجعل رسالته .

خداوند می داند که مقام رسالت را در وجود چه کسی قرار دهد؟ (۳۲) نفائس

الاخبار ص ۲۸۶

گاهی لازم می شود نماز را قطع کنیم:

وَرَوَى حَرِيزٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ إِذَا كُنْتَ فِي صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ - فَرَأَيْتَ غُلَامًا لَكَ قَدْ أَتَى أَوْ غَرِيماً لَكَ عَلَيْهِ مَالٌ أَوْ حَيَّةٌ تَخَوْفُهَا عَلَى نَفْسِكَ فَاقْطَعْ الصَّلَاةَ وَ

اتَّبِعْ غُلَامَكَ أَوْ غَرِيمَكَ وَ اقْتُلِ الْحَيَّةَ روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۴۷۳

و روى الشيخ، عن السكوني، عن جعفر، عن أبيه، عن علي عليهم السلام أنه قال في رجل يصلي و يصلي و يرى الصبي يحبو إلى النار (أي يمشي باسته) أو الشاة يدخل البيت لتفسد الشيء قال: فليصرف و ليحرز ما يتخوف و يبني على صلاته ما لم يتكلم أي عمدا كما مر. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص ۴۷۰

گاهی لازم می شود کودک را در آغوش بکشد
عن أبي عبد الله عليه السلام قال: لا بأس أن تحمل المرأة صبيها و هي تصلي أو ترضعه و هي تتشهد و قد سلف أخبار كثيرة من هذا الباب و سيجيء أيضا.^۱

ج. واکنش مناسب

ابراز ذوق و علاقه از طرف والدین نسبت به رفتار دینی کودک و ثبت کارهای نیک و رفتار دینی کودک بخصوص نماز در قالب عکس برداری یا فیلم برداری و نمایش آن به خودش. همچنین دعوت دیگران به تماشای نماز کودک و قرار دادن جایزه و یا هر نوع تشکری در قبال کارهای نیکش، تا نتیجه بخشی کار های خودش را به طور عینی حس کند.

۱. روضة المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه ج ۲ ص : ۴۷۰

فصل دوم: دوران ابتدایی (۶-۱۲)

ویژگی‌های

۱) حرکت و فعالیت جسمی بالا (بخصوص ۶-۹): میل و نیاز اساسی به حرک زیاد تا سرعت قدرت و مهارت خود را نشان دهد/علاقه مند شدن به آنچه او را به حرکت وامی‌دارد/اگر مانعی حرکت او را محدود کند.../چنانچه این کودکان در کلاس درس مجبور شدند که اغلب نشسته و آرام باشند، انرژی بسیار خود را به شکل عادات عصبی همچون جویدن مداد، بی‌قراری عمومی، ایجاد سروصدا و مزاحمت برای کلاس، صرف خواهند کرد. یعنی محدودیت‌های زیاد بدنی برای آنها منجر به جنب و جوش غیر معمول و زیاد حرف زدن می‌شود. لذا در فرایند یاد دهی - یادگیری باید برای کودکان فرصت‌هایی فراهم آورد تا ضمن فعالیت‌های بدنی انرژی خود را صرف کنند.

۲) هدفمند شدن بازی‌ها: قانونمندی/نتیجه گرایی/میل به رقابت/بازی گروهی

۳) رشد تدریجی قوای ادراکی
عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا ع فِي الصَّبِيِّ مَتَّى يُصَلِّي فَقَالَ إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ قُلْتُ مَتَّى يَعْقِلُ الصَّلَاةَ وَتَجِبَ عَلَيْهِ فَقَالَ لَسْتُ سَنِينَ (تهذيب الأحكام ج: ۲ ص: ۳۸۱)
/منتها فکر اجمالی/ادراکات عینی و تجربی است و هنوز به ادراکات انتزاعی نرسیده است/هدفمند شدن حس کنجکاوی/درک مقدماتی رابطه علت و معلول در حد تجربیات/درک مفهوم زمان، مکان، علت و عدد/درک عیب و کمال/قدرت بکار گیری تجربیان در کوتاه مدت و محدود/درک عینی مفهوم کوچکتر و بزرگتر/

۴) آمیختگی تخیل به واقعیت:

۵) علاقه و توانایی یادگیری:
عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: الْغُلَامُ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ سَبْعَ سِنِينَ، وَ يَتَعَلَّمُ الْحَلَالَ وَ الْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ. الأصول الستة عشر ۳۴۲

۶) رشد استعداد حفظ و یادآوری بخصوص از ۹ سالگی/در موضوعاتی که بیشتر علاقه دارد راحت‌تر و ماندگار تر حفظ می‌کند.

۷) ارتباط عاطفی بالا و کم گستره
کودک در این سن رابطه عاطفی عمیقی با افراد کمی برقرار می‌کند، از جمله مادر، پدر و معلم/احساس صمیمیت / شکوفایی، هدف‌مندی و منطق‌مندی عواطف: اطلاع از احساسات دیگران/تلاش برای تغییر در عواطف اطرافیان مثل تمایل به خشنود کردن یا خشمگین کردن دیگران/نیاز به عزت نفس/حقارت یا لیاقت/تبعیض/

- ۸) طبقه بندی ارزشی بر اساس ملاک‌های حسی نه انتزاعی/
- ۹) الگو پذیری صفت محور و قهرمان پرور
- ۱۰) ظهور استعدادها
- ۱۱) آمادگی و استعداد اطاعت پذیری/احساس وظیفه می‌کند به اهمیت همکاری پی می‌برد و از اینکه برای انجام کاری قدرت دارد، لذت می‌برد/کودک به راحتی خود را در اختیار والدین و معلم قرار می‌دهد
- و قَالَ النَّبِيُّ ص الْوَلَدُ سَيِّدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ عَبْدٌ سَبْعَ سِنِينَ وَ وَزِيرٌ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ رَضِيتَ أَخْلَاقَهُ لِاحْدَى وَ عَشْرِينَ وَ إِلَّا فَاضْرِبْ عَلَى جَنْبِهِ فَقَدْ أَعْدَرْتَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ ۲۲۲
- ولدك ريحانتك سبعا و خادمك سبعا ثم هو عدوك أو صديقك شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد ج ۳۰ ۳۴۳

و رَوَى عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ص قَالَ: مَرَوْا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَ اضْرِبُوهُمْ عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا وَ فَرَّقُوا بَيْنَهُمْ فِي الْمَضَاجِعِ إِذَا بَلَغُوا عَشْرًا. دعائم الإسلام ج ۱ ۱۹۴

- ۱۲) آمادگی برای تادیب (فراگیری آداب)/
- قَالَ الصَّادِقُ ع دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ يُوَدِّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ أَلْزِمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ فَإِنْ أَفْلَحَ وَ إِلَّا فَإِنَّهُ مِمَّنْ لَا خَيْرَ فِيهِ. (من لا يحضره الفقيه ج ۳ ۴۹۲)
- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ ع بَرِّ الصَّبِيَّ سَبْعًا وَ يُوَدِّبُ سَبْعًا وَ يَسْتَخْدِمُ سَبْعًا وَ مُنْتَهَى طَوْلِهِ فِي ثَلَاثٍ وَ عَشْرِينَ سَنَةً وَ عَقْلُهُ فِي خَمْسٍ وَ ثَلَاثِينَ سَنَةً وَ مَا كَانَ بَعْدَ ذَلِكَ فَيَا تَجَارِبِ. من لا يحضره الفقيه ج ۳ ۴۹۳

بایسته‌ها

بایسته های آموزشی

- ۱) آموزش احکام
- ۲) آموزش اولیه و متناسب صفات خدا و اصول دین

بایسته های پرورشی

- ۱) پرورش فکری
- تقویت قدرت حل مسأله و تحلیل و تقویت قدرت خلاقیت از طریق جهت بخشی به قوه تخیل.

(۲) پرورش اخلاقی
ایجاد روحیه‌ی تمیز حسن و قبح، شکر گذاری، مسؤولیت پذیری، ادب و حیا

(۳) پرورش عاطفی
ایجاد انس و علاقه به دین و گزاره های دینی

راه کارها

أ. ایجاد انس والفت نسبت به نماز در کودکان
در این مقطع سنی اولین و مهمترین گامی که والدین و مسؤولین تربیتی باید بردارند این است که فرزندان را نماز پذیر بار بیاورند و نه با روشهای غلط کاری کنند که آنان نماز گریز یا حتی نماز ستیز شوند.

برای تحقق چنین هدفی باید اصول و روشهای زیر مورد توجه قرار گیرد:

- (۱) رعایت اصل تداوم
 - (۲) رعایت اصل تعادل
 - (۳) رعایت اصل تدریج
 - (۴) رعایت اصل تسهیل
 - (۵) استفاده از روش تداعی
 - (۶) استفاده از روشهای پرهیزی به جای روشهای تجویزی
 - (۷) تکریم و شخصیت بخشی در دعوت به گزاره های دینی
 - (۸) هماهنگی خانه و مدرسه چرا که هر گونه تعارضی باعث زدگی می شود.
- ب. تأدیب کودک و ایجاد روحیه ادب نسبت به مقدسات
۱. حضور معنوی والدین و مربیان در مناسک عبادی و محیط های مذهبی
الگویی می شود برای تلقین روحیه ادب و معنویت.
 ۲. احترام بالای والدین و مربیان به مقدساتی مثل قرآن، مسجد، سجاده و مهر و ...
 ۳. توجه والدین و مربیان به امور مذهبی و معنوی خود و فرزندانشان و خود داری از بی تفاوتی از لوازم تأدیب دینی کودک است.
 ۴. آموزش متناسب و جذاب آداب و مستحبات دینی به کودکان در این سنین و تشویق به انجام آنها
 - ج. ایجاد علاقه و محبت به مناسک دینی و به ویژه نماز (چون کودکان در سن ارتباط عاطفی با گزاره های دینی هستند).

۱. ابراز علاقه و شوق به مناسک دینی و به ویژه نماز از طرف والدین بیان
خاطره خاطره
۲. نمایش جلوه‌های آسان و زیبای عبادت به کودکان
۳. بیان خاطره‌ها و داستان‌هایی از نماز و عبادت
۴. بردن خلاقیت فرزندان در مسیر مذهب (چون همیشه خالق، مخلوق خودش
را دوست دارد).
۵. ایجاد تحرک جسمی در مسیر آموزش و انجام مناسک دینی
۶. روح بازی بخشیدن به تعلیم و بازی را اساس تدریس قرار دادن
۷. مراقبت از اینکه نماز یا مسجد را مانعی در مقابل حرکت خود نداند
۸. طراحی بازی‌های گروهی، هدفمند و قانونمند در جهت آموزش ارزش‌ها و
مفاهیم دینی و علاقه‌مند کردن کودک به گزاره‌ها و رفتارهای دینی

فصل سوم: دوران نوجوانی (۱۸ تا ۲۱)

نوجوانی دوران گذار ماندگار

عبور از مرحله ای از رشد به مرحله ی دیگر می باشد. این به آن معنا است که آنچه قبلاً واقع شده، نشانه ی خود را روی آنچه که در زمان حال و آینده اتفاق می افتد، باقی می گذارد. کودکان در زمانی که از خردسالی به بزرگسالی می رسند، باید جنبه های کودکانه را کنار بگذارند و آنها باید همچنین الگوهای جدید رفتاری و نگرشی را بیاموزند تا جانشین آن چیزهایی شود که ترک کرده اند.

به هر حال، این مهم است که درک کنیم آنچه قبلاً واقع شده است، نشانه های خود را باقی گذاشته است و بر الگوهای نوینی از رفتارها و نگرشهای فرد اثر می گذارد.

در طی هر مرحله ی انتقالی، وضع و جایگاه فرد مبهم است و نوعی گم گشتگی درباره ی نقشهایی وجود دارد که فرد انتظار دارد آنها را ایفا کند. نوجوان در این زمان نه کودک و نه بزرگسال است؛ اگر نوجوانان مانند کودکان رفتار کنند، به آنها گفته می شود که به مانند سن خودشان عمل کنند. اگر آنها سعی کنند نظیر بزرگسالان عمل کنند، اغلب مورد سرزنش واقع می شوند. از طرف دیگر، آزمودن شیوه های مختلف زندگی به آنها یاد می دهد تا آنها تصمیم بگیرند که چه الگوهای رفتاری، ارزشی و نگرشی بهتر می توانند نیازهای آنان را تأمین نمایند.

نوجوانی دوران بحران تعیین گر و تغییرات تثبیت گر

دوران نوجوانی حسّاس ترین و مهم ترین دوره زندگی است. در این سنین تغییر و تحولات بسیاری هم از نظر جسمی و هم از جهت عاطفی و روانی برای نوجوان ایجاد می شود.

نوجوان به سرعت رشد کرده و شاهد تکامل جسمانی و نیرومندی بدنی خویش است و همزمان عواطف و احساسات او دچار تحول اساسی می شود و افکار و آرزوها و نگرش او پیرامون افراد و محیط اطراف را تحت تأثیر قرار می دهد. در دوران گذر از نوجوانی تمایلات و خواهش های متضادی در او خودنمایی می کند، خودخواهی کودکانه با نوع پرستی خیرخواهانه را درمی آمیزد و او را در برزخی میان کودکی و بزرگسالی رها می سازد و دچار

نوعی بی ثباتی عاطفی و روانی و فکری می شود که از آن «بحران بلوغ» یاد می کنند؛ این بحران، نوجوان را در یک وضعیت مبهم و پیچیده ای قرار می دهد که نمی داند چه باید کرد، همین عدم اطمینان نسبت به نقش خود، موجب مشکلات زیادی برای نوجوان می شود و او را زودرنج و دو دل و بی ثبات می سازد.

ویژگی‌های نوجوان

ا. رشد جسمی و بلوغ جنسی

ترشح برخی هورمون‌ها رشد جسمی نوجوان را تسریع می‌کند و همچنین آثار بلوغ جنسی را در جسم و روح او آشکار می‌سازد

ب. رشد فکری

- آمادگی برای ادراکات انتزاعی/درک مفهوم عدالت ، معجزه، اراده تکوینی خدا(دستور به رود نیل)
- آمادگی درک اولیه و بکار گیری مفاهیمی که در دوره قبل فقط حفظ کرده بود.
- درک استدلالات انتزاعی که دارای مصادیق روشن باشد
- فهم از مقدس و غیر مقدس و احترام و بی‌احترامی
- قرار گرفتن تردید و شبهه نسبت به آنچه که در گذشته مسلم می‌دانست
- کنجکاوی نسبت به فلسفه احکام، تاریخ، حوادث طبیعی، رفتار بزرگان و ...
- سؤالات جدید و قانع نشدن در پاسخ‌های دیگران/خودپایی بهتر او را قانع می‌کند تا پاسخ دیگران
- شناخت کمبودهای خود و بویژه شناسایی نیازهای آینده و مقابله با آن
- قدرت عبرت گیری از داستان و تاریخ و تجربیات دیگران
- قدرت بازنگری و نقد

ج. گستردگی و پیچیدگی عواطف

نوجوان از یکسو با رشد سریع و تغییرات جسمی روبروست که او را دچار اضطراب ، ناآرامی و زودرنجی می‌کند و از دیگرسو، از نظر ذهنی و عقلی، رفتارش بیشتر تابع عواطف

و احساسات است تا منطق و تفکر. به همین دلیل دنیای واقعی او بسیاری اوقات به دنیایی تخیلی تبدیل می‌شود که امکان دستیابی به راه‌حل‌های واقع‌بینانه نیست.

سرگردانی عواطف و گستردگی علائق و رغبت‌ها، تمایل و نیاز بیشتر به محبت کردن و محبت دیدن، شدت گرفتن دایره هیجانات، کنترل ضعیف یا غلط هیجانات، زود انگیزشی، انزوا و افسردگی، نگرانی و اضطراب، بی‌خوابی، عصبانیت و پرخاشگری، یأس و ترس، از ویژگیهای روحی و عاطفی دوران نوجوانی به شمار می‌رود.

د. پیچیدگی اخلاقی

نوجوان از نظر قلبی و احساسی، تمایل او به زیباییهای معنوی برانگیخته می‌شود و مصداق کلام پیامبر (ص) واقع می‌شود که فرمود:

آنها قلبی فضیلت پذیرتر و دلی رقیقتر و حساستر دارند. خداوند مرا به پیامبری برانگیخت تا مردم را به رحمت الهی بشارت دهم و از عذابش بترسانم. جوانان و نوجوانان سخنانم را پذیرفتند و با من پیمان محبت بستند، ولی پیران از قبول دعوتم سرباز زدند و به مخالفت برخاستند.

آنگاه رسول خدا (ص) به آیه ای از قرآن اشاره کرد و درباره ی مردم کهنسال که مدت زندگی آنها به درازا کشیده و دچار قساوت و سخت دلی شده اند، سخن گفت.

فضیلت دوستی و خیرخواهی نوجوانان گاهی شعاع گسترده تری پیدا می‌کند و میل به اصلاح عالم و تحول جهانی در آنان افزایش می‌یابد. استانداردها و ایده آلهای اخلاقی تمامی وجود نوجوانان را مسخر می‌کند و به چیزی جز مدینه ی فاضله نمی‌اندیشند. چنانچه این اراده و تمایل اخلاقی جهت مطلوب پیدا کند و پرورش یابد و به نظم و انسجام درآید، حیات ارزشها در این دوره، شکوفایی و درخشندگی خاصی پیدا می‌کند و زمینه ساز حرکتها و رشدهای نوجوان می‌گردد.

گرایشهای اخلاقی نوجوان در کنار استعداد منفی گرای و چرخش برای روی آوردن به سوی ضدارزشها، وجود او را تحت تأثیر قرار می‌دهد و پاسخ نوجوان به هریک از این دو دسته گرایش، موجب تقویت یکی و تضعیف دیگری می‌شود

ه. کمال گرایی

کمال جویی و کمال گرایی از ویژگی های بارز نوجوانان است فطرت پاک خواه آنان شیفته برتری هاست. مذهب از سرچشمه های اصیل و منابع قابل اتکایی است که می تواند به این نیاز نوجوانان پاسخ شایسته ای بدهد.

باید برای پرسشهای فطری نوجوانان در خصوص ارزشهای اخلاقی و معنوی ساختاری شکل و بلند از ارزشهای ناب ارائه داد تا بتواند سلوک اخلاقی خود را بر آن استوار کند تقویت جنبه های فطری نوجوان از طریق حکایات اخلاقی وقایع مستند تاریخی شناخت فرهنگ ملی و اسلامی به تصویر کشیدن چهره های ارزشمند عرفان اسلامی و بهره گیری از زبان ارتباطی هنر می تواند او را در غلبه یافتن بر سرکشی های غرایز و حفظ تعادل یاری دهد فراموش نکنیم که: یک نوجوان بدون زمینه مذهبی و دینی شبیه به کشتی بدون سکان است.

فرمانگریزی و مخالفت ورزی سطحی و گزرا، خودمحوری، حیا و کمرویی، میل به آزادی و رهایی، آسان پذیری از دیگر ویژگیهای اخلاقی نوجوان به شمار می رود.

و. از دوست گرایی تا گروه گرایی

کم رنگ شدن تأثیر خانواده و پررنگ شدن تأثیر دوست و گروه

جدا شدن از خانواده و ملحق شدن به اجتماع

وفاداری به دوست و گروه جایگزین وفاداری به خانواده

ز. هویت جویی/ هویت یابی یا هویت سازی

نوجوان درصدد است تا در جایگاه خود را بیابد و هویتی از خویش به دست آورد. نوجوانان بر آنند تا هویت مورد نظر را آن گونه که مایل هستند به وجود آورند و به این سوال همیشگی پاسخ دهند که ما کیستیم و برای چه زندگی می کنیم! جستجوی هویت همواره با ابهام و نگرانی و تردید همراه است.

ح. آرمان جویی و آرمان گرایی

فضیلت دوستی و خیر خواهی نوجوانان و آرمان خواهی آنان گسترده است و گاهی او چنان اوج میگیرد که میل به اصلاح عالم و تحول جهانی پیدا می کنند استانداردها و ایده

الهای اخلاقی تمامی وجود نوجوانان را مسخر می‌کند و به چیزی جز مدینه فاضله نمی‌اندیشند.

ط. الگوگرایی شخصیت مدار

به‌جای الگوگرایی رفتار مدار/قهرمان سازس و قهرمان گرایی/همانند سازی

نوجوانان در خصوصیات پدر و مادر و دیگران دقیق می‌شوند ریزه کاری‌های گفتار، رفتار آنان را در ذره بین می‌نگرند و از این طریق شخصیت آنان را شناسایی می‌کنند تا بتوانند براساس آن الگوی شخصیت خود را بسازند. در سنین پایین تر الگوگیری رفتار محور یا صفت محور است، اما در نوجوانی رفتار و صفات درجه‌ای است به سمت الگوگیری شخصیت محور، که پاسخی است به همان هویت یابی نوجوان.

اگر نتوانیم به گونه ای زیبا و جذاب شخصیت های گذشته و معاصر خود را برای آنان ترسیم کنیم، بیش از پیش برخی هنر پیشه های و ورزشکاران غیر معتمد و دل های آنها را شکار خواهند کرد.

ی. زیبایی گرایی

گرایش طبیعی آدمی به زیبایی ها دردوران بلوغ ونوجوانی به صورت عشق به زیبایی در می آید به ویژه نوجوانی که از طبایع حساس و ظریف برخوردارند در معرض تاثیرپذیری بیشتری قرار می گیرد توصیه‌های سازنده اخلاقی وایجاد فضای معنوی وآکنده نمودن اندیشه و باور نوجوانان از لذت ایمان نشئه عرفان و معنویت همچون سدی استوار در برابر انحرافات محسوب میشود.

ک. استقلال طلبی

دوران، دوران مسأله سازی است، نوجوان ازیک طرف نیاز به کمک، حمایت و کنترل بزرگترها دارد و از یک طرف دوست دارد مستقل و آزاد باشد.

بایسته ها

ا) ایجاد و افزایش شناخت، تفکر و اعتقادات دینی

۱) شناخت افزایی/

۲) انحراف زدایی در شناخت/

۳) تقویت سیستم تفکر/

۴) تصحیح ملاک‌ها در فرایند تفکر و جهت بخشی/

۵) ساماندهی ورودی‌ها/

۶) سامان بخشی عواطف

ب) تقویت و تصحیح روش دوست یابی و تعامل با دوستان

۱) ایجاد سیستم ارزشی در دوست گرایی و گروه گرایی

۲) ایجاد سیستم ارزش در نحوه تعامل و تأثیرپذیری از دوست

راه کارهای پیشنهادی به خانواده

ا. خانواده باید بپذیرد که از یک طرف ارتباط به همسالان و دوست یابی از نیازهای اساسی فرزندان است و از طرف دیگر این ارتباط ها تأثیر گسترده و عمیقی در فرزندان دارد؛ پس می تواند نسبت به این موضوع بی تفاوت باشد.

ب. از آنجا که شخصیت کودک تا هفت سالگی بسته می شود، و در این سن مهمترین نهاد تأثیر گذار خانواده است، خانواده باید تلاش کند که شخصیت کودک را به گونه ای شکل دهد که کودک در انتخاب، ارتباط و تأثیر پذیری از گروه همسال روشمند و با یک سیستم ارزشگذاری و ممیزی بسیار قوی عمل کند.

ج. خود خانواده در دوست گیری و ارتباط ها به گونه ای عمل کند که یک الگوی بسیار مناسب و قوی را ارائه دهد تا کودک با کمک از این الگو تجربیات لازم را کسب کند.

د. ارتباط صمیمی و عاطفی خانواده با فرزند باعث می شود که نزدیکترین و تأثیر گذارترین دوست خود خانواده باشد و فرزند رازها و مشکلاتش را در ارتباطات دوستانه با آنها در میان گذارد و از آن ها کمک بگیرد.

ه. نهادینه کردن امر به معروف و نهی از منکر در خانواده موجب می شود که فرزندان با یک روحیه اصلاح گرایانه ارتباط خود با دوستان را تنظیم کنند.

و. بالا بردن شناخت فرزند و آموزش آگاهانه در تنظیم ملاکهای انتخاب دوست در سنین نوجونی

ز. ایجاد مهارت شناخت دیگران در فرزندان

ح. راهنمایی فرزندان در شناخت هر چه بیشتر دوستان

ط. پرورش و رشد توانایی نه گفتن در فرزندان جهت ایمن کردن ارتباط با همسالان

ی. کنترل نامحسوس دوستان فرزند

ک. ارتباط مثبت، صمیمی و محبت آمیز همراه با تکریم و دعوت و پذیرایی از دوستان شایسته

ل. روشن گری درباره دوستان ناشایست

م. کمک در اصلاح دوستان ناشایست، در صورت توان

ن. گذراندن زمان بیشتر با فرزندان در سنین نوجوانی و جوانی به دلیل تأثیر عمیق همسالان در این سنین

راهکارهای پیشنهادی به مدرسه

- گزینش قویتر در معلمان و کادر مدرسه
- ارتباط دوستانه معلمان و دانش آموزان
- برگزاری دوره های آموزشی جهت ایجاد مهارت دوست گزینی، اعتماد یا عدم اعتماد به دوست، نحوه تأثیرپذیری و تعامل با دوست
- ایجاد فضاهای صمیمی و دوستانه سالم بین دانش آموزان
- شناسایی راهنمایی مستقیم و غیر مستقیم دوستی ها در مدرسه و بیرون از مدرسه
- آموزش خانواده ها در این جهت
- ایجاد گروه ها و تشکلات دانش آموزی با هدف های پاک و مقدس
- اصلاح دانش آموزانی که نقش دوستان ناباب را ایفا می کنند
- ایجاد و تقویت دوستی ها و گروه های نماز خانه ای